

Approche critique de la traduction de la version persane de la Convention relative aux droits de l'enfant (CIDE) selon les tendances déformantes d'Antoine Berman

Hediyeh Nassiri

Doctorante en droit pénal et criminologie, Faculté de droit et de sciences politiques, Université Ferdowsi de Mashhad, Iran

Sepideh Navabzadeh shafiei¹ (Auteur correspondant) 

Maître-assistante en langue et littérature françaises, Université Allameh Tabataba'i, Téhéran, Iran

Farnaz Sassani

Maître-assistante en langue et littérature françaises, Université Allameh Tabataba'i, Téhéran, Iran

Résumé

L'un des sujets abordés dans l'étude de la traduction juridique est l'analyse critique de la traduction des traités et conventions internationaux. Lorsqu'un pays devient partie à une convention et la signe, la traduit et la ratifie, la traduction de cette convention crée une obligation juridique pour cet État membre. La déformation du texte de la Convention lors de la traduction peut avoir des conséquences juridiques risquées pour l'État membre. Le but de cet article est d'analyser la traduction persane de la Convention relative aux droits de l'enfant selon la méthodologie d'Antoine Berman, théoricien de la traduction et philosophe français. La méthodologie d'Antoine Berman comprend une série de principes éthiques visant à prévenir la déformation de traduction. La méthodologie de Berman a des origines philosophiques et s'inspire de l'herméneutique romantique de Schleiermacher. L'herméneutique romantique de Schleiermacher est également l'une des écoles d'interprétation juridique les plus reconnues. Un autre objectif de cet article est de créer un lien entre les domaines de la traductologie et du droit, dans la perspective de l'herméneutique romantique et de la méthodologie d'Antoine Berman. Dans cette étude, nous analyserons la traduction persane réalisée par le Parlement iranien en 1994, en nous basant sur les versions française et anglaise de cette convention, selon la méthodologie d'Antoine Berman. Dans cet article, nous tenterons d'étudier les critères de violation de l'éthique de la traduction, introduits par Berman sous le nom de tendances déformantes du texte, et de montrer dans quelle mesure le traducteur-législateur a utilisé ces tendances déformantes en traduction.

Mots-clés : Traduction juridique, Convention relative aux droits de l'enfant, Tendances déformantes, Antoine Berman, Herméneutique romantique. Schleiermacher.

¹. E-mail: navabzadeh@atu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2026.98079.1169>

<https://orcid.org/0000-0002-7137-1015>

A Critical Approach Towards The Translation of The Persian Version of The Convention on The Rights of The Child (UNCRC) According to The Deforming Tendencies Initiated by Antoine Berman

Hediyeh Nassiri

Ph.D. Candidate in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Iran

Sepideh Navabzadeh shafiei¹ (Corresponding author) 

Assistant Professor in Department of French language and literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Farnaz Sassani

Assistant Professor in Department of French language and literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

One of the topics discussed in the study of legal translations is the critical analysis of the translation of international treaties and conventions. When a country becomes a party to a convention and signs, translates and ratifies it, the translation of that convention creates a legal obligation for that member state. Distorting the text of the Convention during translation can have risky legal consequences for the Member State. The aim of this article is to analyze the Persian translation of the Convention on the Rights of the Child according to the methodology of Antoine Berman, a French translation theorist and philosopher. Antoine Berman's methodology includes a series of ethical principles aimed at preventing translation distortion. Berman's methodology has philosophical origins and is inspired by the romantic hermeneutics of Schleiermacher. Schleiermacher's romantic hermeneutics is also one of the most recognized schools of legal interpretation. Another objective of this article is to create a link between the fields of translation studies and law, from the perspective of romantic hermeneutics and the methodology of Antoine Berman. In this study, we will analyze the Persian translation produced by the Iranian Parliament in 1994, based on the French and English versions of this convention, according to the methodology of Antoine Berman. In this article, we will attempt to study the criteria for violation of translation ethics, introduced by Antoine Berman under the name of deforming(distorting) tendencies of the text, and to show to what extent the translator-legislator has used these deforming tendencies in translation.

Keywords: Legal Translation, Convention on The Rights of The Child, Deforming Tendencies, Antoine Berman, Romantic Hermeneutics, Schleiermacher.

¹. E-mail: navabzadeh@atu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2026.98079.1169>

<https://orcid.org/0000-0002-7137-1015>

رویکردی انتقادی به ترجمه فارسی کنوانسیون حقوق کودک با تکیه بر گرایش‌های تحریف متن در اندیشه آنتوان برمن

مقاله پژوهشی

هدیه نصیری

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

سپیده نواب زاده شفیعی^۱ (نویسنده مسئول) 

استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

فرناز ساسانی

استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

یکی از موضوعات مطرح در مطالعه ترجمه حقوقی، تحلیل انتقادی ترجمه معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. زمانی که کشوری به عضویت یک کنوانسیون درآمده و آن را امضا، ترجمه و تصویب می‌کند، ترجمه آن کنوانسیون برای آن کشور عضو، الزام حقوقی ایجاد می‌کند. تحریف متن کنوانسیون در زمان ترجمه، می‌تواند آثار حقوقی مخاطره‌آمیز برای کشور عضو در پی داشته باشد. هدف از این مقاله، تحلیل ترجمه فارسی کنوانسیون حقوق کودک براساس روش‌شناسی آنتوان برمن، نظریه‌پرداز ترجمه و فیلسوف فرانسوی است. روش‌شناسی آنتوان برمن دربردارنده یک سری اصول اخلاقی برای پیشگیری از تحریف در ترجمه است. روش‌شناسی برمن، خاستگاهی فلسفی دارد و الهام گرفته از هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر است. هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر از جمله مکاتب معتبر تفسیری حقوق نیز است. ایجاد پیوند میان رشته مطالعات ترجمه و حقوق از زاویه هرمنوتیک رمانتیک و روش‌شناسی برمن از دیگر اهداف این مقاله است. ما در این پژوهش، ترجمه فارسی انجام شده توسط مجلس ایران در سال ۱۳۷۲ را براساس نسخه فرانسه و انگلیسی این کنوانسیون، طبق نظریه برمن، تحلیل خواهیم نمود. در این مقاله برآنیم تا با مطالعه رفتارهای ناقض اخلاق ترجمه، که آنتوان برمن تحت نام گرایش‌های تحریف متن معرفی نموده است نشان دهیم مترجم-قانونگذار، در ترجمه، تا چه میزان مرتکب این ناهنجاری‌ها یا تحریف‌ها شده است. نتایج نشان می‌دهد گرایش‌های تحریفی عقلایی‌سازی، غنازدایی کیفی، تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن، تخریب نظام‌مندی متن و همگون‌سازی از پربسامدترین گرایش‌های بکاررفته است. مترجم-قانونگذار ایران رویکردی مقصدگرا در ترجمه کنوانسیون داشته و متن مبدأ را بومی‌سازی یا به تعبیر آنتوان برمن، بیگانه‌زدایی کرده است.

کلیدواژه‌ها: ترجمه حقوقی، کنوانسیون حقوق کودک، گرایش‌های تحریف متن، آنتوان برمن، هرمنوتیک رمانتیک، شلایرماخر.

^۱ E-mail: navabzadeh@atu.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2026.98079.1169>
<https://orcid.org/0000-0002-7137-1015>

۱. مقدمه

مطالعه انتقادی ترجمه حقوقی از مطالعات نوپایی است که نیازمند معرفی به جامعه حقوقی ایران و مستلزم پژوهش نزد حقوقدانان مترجم و ترجمه‌شناسان حقوقی است. موضوع مقاله حاضر مطالعه انتقادی ترجمه یا به تعبیری تحلیل ترجمه فارسی کنوانسیون حقوق کودک است که مفاد آن، به‌عنوان یک قانون مصوب مجلس ایران، لازم‌الرعايه است. در حقوق بین‌الملل، کنوانسیون، معاهده و توافق بین‌المللی است که به‌موجب مقررات حقوق بین‌الملل و به‌صورت کتبی میان کشورها منعقد شده باشد و آثار حقوقی خاصی به بار آورد. مطابق ماده ۵۴ کنوانسیون حقوق کودک، نسخه اصلی کنوانسیون به همراه ترجمه عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی آن، همگی از اعتبار یکسان برخوردار هستند. طبق اصل ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی ایران، کلیه معاهدات بین‌المللی میان ایران و سایر دولت‌ها باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و سپس رئیس‌جمهور آن را امضاء کند. در این راستا، مجلس شورای اسلامی، ابتدا اقدام به ترجمه کنوانسیون می‌کند و آن را تحت نام «قانون» به تصویب می‌رساند. سپس رئیس‌جمهور آن را امضاء و ابلاغ می‌کند. پس از تصویب و امضاء، ترجمه کنوانسیون اعتبار قانونی می‌یابد و لازم‌الاجراست. هدف ما در مقاله حاضر آن است که با توجه به اعتبار حقوقی یکسان نسخه‌های مدنظر کنوانسیون حقوق کودک، نسخه فرانسه و انگلیسی کنوانسیون را با ترجمه فارسی آن که مصوب مجلس شورای اسلامی است مقایسه نموده و مؤلفه‌های نقض اخلاق ترجمه را که توسط آنتوان برمن، تحت نام «گرایش‌های تحریف متن»، ارائه شده است، در ترجمه فارسی کنوانسیون بررسی نماییم.

در پژوهش پیش‌رو به این پرسش‌ها پاسخ خواهیم داد که نظریه ترجمه آنتوان برمن چه نوع پیوندی با ترجمه متون حقوقی دارد و آیا چنین نظریه‌ای را می‌توان در ترجمه متون حقوقی بکار بست؟ تمایز ترجمه حقوقی با ترجمه سایر متون چیست؟ آیا قانونگذار ایران توانسته است با اجتناب از به‌کارگیری گرایش‌های تحریفی متن و با احترام به اخلاق ترجمه مدنظر آنتوان برمن، بیگانگی لغوی و نحوی متن مبدأ و ذهنیت مؤلف (قانونگذار متن مبدأ) را در ترجمه فارسی کنوانسیون حفظ کند؟ قانونگذار ایران در ترجمه کنوانسیون به کدام‌یک از گرایش‌های

تحریفی متن، تمایل بیشتری داشته است و پربسامدترین گرایش‌های تحریف متن^۱ در ترجمه فارسی کنوانسیون، کدام گرایش‌ها هستند؟ قانونگذار ایران چه رویکردی در ترجمه کنوانسیون داشته است؟ آیا وی رویکردی مقصد‌گرا داشته است و متن مبدأ را بومی‌سازی یا به تعبیر آنتوان برمن، بیگانه زدایی کرده است یا رویکردی مبدأ‌گرا داشته است و کالبد نفسانی متن مبدأ را در ترجمه حفظ کرده است؟

روش‌شناسی پژوهش، روش‌شناسی آنتوان برمن در ترجمه است. این روش‌شناسی، تحلیل انتقادی ترجمه با رویکردی منفی‌نگر است. برمن روش‌شناسی خویش را یک روش‌شناسی هنجاری و مبتنی بر اصول اخلاقی می‌داند (Berman, 1985, p.83). برمن، با یک تحلیل منفی‌نگر، یک مجموعه گرایش‌های تحریفی ارائه کرده است که انجام این تحریف‌ها توسط مترجمان را، نقض اخلاق ترجمه می‌داند. تحلیل انتقادی که برمن از ترجمه ارائه کرده است تحلیلی همراه با تخریب چهره ترجمه سنتی است. برمن، ترجمه سنتی را ترجمه‌ای ناقض اخلاق ترجمه و ترجمه‌ای مملو از تحریف‌ها می‌داند و با نقد آن، درصدد معرفی ترجمه‌ای اخلاقی است (Berman, 1985, p.46). در بحث‌های پیش رو خواهیم گفت که اصول اخلاقی برمن در ترجمه و روش‌شناسی وی، مبتنی بر بیگانه‌گرایی (پذیرش بیگانه آن‌طور که هست) است. همان‌طور که برمن بارها در آثار خود اشاره کرده است، خاستگاه فلسفی نظریه ترجمه او، هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر است. برمن، شلایرماخر را تنها نظریه‌پرداز می‌داند که بیگانه‌گرایی در تفسیر و ترجمه را به بهترین نحو تعریف نموده و مهم‌ترین اصل اخلاقی ترجمه، یعنی بیگانه‌گرایی را بنیانگذاری کرده است (برمن، ۱۳۹۰، ص ۹۱).

بنابر تصریح آنتوان برمن، گرایش‌های تحریفی که او مطرح کرده است، در هر ترجمه‌ای، زبان هرچه باشد، وجود دارند و قابل بررسی هستند و این گرایش‌ها تنها مختص به ترجمه متون ادبی نیست (برمن، ۱۳۹۰، ص ۵۸؛ Berman, 1985, p.68). برمن معتقد است که در برخی ترجمه‌ها، با توجه به زبان مقصد، برخی گرایش‌های تحریفی فعل‌وانفعال کمتر یا بیشتری دارند (همان؛ Ibid.).

^۱ Les tendances déformantes

اگر بخواهیم روش‌شناسی آنتوان برمن را در علم حقوق جستجو کنیم، درمی‌یابیم که نظریه ترجمه برمن، از لحاظ مکاتب تفسیری حقوق، نظریه ناشناخته‌ای نیست؛ بلکه نظریه ترجمه برمن، مبتنی بر نظریه "قصده‌گرایی" (یا قصده‌گرایی) یا "مؤلف محوری" هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر در تفسیر حقوق است (محقق داماد و پورمحمدی، ۱۴۰۴، صص ۱۹۲-۲۱۵؛ عابدی سرآسیا و همکاران، ۱۳۸۹، صص ۶۸-۷۰؛ آقایی، ۱۳۸۸، صص ۱۳۸-۱۴۸). برمن، هم‌عقیده با شلایرماخر معتقد است که ترجمه‌شناسی به‌طور کلی، و نظریه ترجمه او به‌طور خاص، خاستگاه فلسفی دارد و از قواعد تفسیر پیروی می‌کند (برمن، ۱۳۹۰، ص ۲۰؛ Berman, 1985, p.39). می‌توان گفت نظریه ترجمه آنتوان برمن، امتداد نظریه هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر در تفسیر حقوق است. لذا نظریه برمن در ترجمه متون حقوقی نیز قابلیت اجرایی دارد. نظریه برمن، در برخی پژوهش‌های ترجمه حقوقی نوین که نام خواهیم برد، بکار رفته است.

ضرورت اعمال روش‌شناسی آنتوان برمن در ترجمه متون حقوقی و به‌کارگیری اصل اخلاقی بیگانه‌گرایی در ترجمه حقوقی (به‌ویژه ترجمه قوانین) از این جهت است که بیشتر مترجمان حقوقی ایرانی (اعم از قانونگذار و مترجمان رسمی یا غیررسمی حقوقی) از پیروان ترجمه سنتی هستند؛ یعنی مقصدگرا هستند و این مقصدگرایی سبب شده است که ترجمه متون حقوقی، به تعبیر آنتوان برمن، ترجمه‌ای قوم‌مدار، فرامتنی، افلاطونی و مملو از گرایش‌های تحریفی شود. اگر مترجمان حقوقی ایرانی می‌خواهند همسو با قواعد هرمنوتیک رمانتیک در تفسیر حقوق، ترجمه‌ای اخلاقی ارائه کنند، باید از این رویکرد مقصدگرایی دوری کنند. زیرا رویکرد مقصدگرایی از لحاظ فلسفی، خلاف رویکرد مؤلف محوری یا قصده‌گرایی در هرمنوتیک رمانتیک حقوقی است. رویکرد مقصدگرا در ترجمه، موجب تحریف قصد مؤلف متن مبدأ (نیت قانونگذار متن قانونی مبدأ) می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد پیشینه پژوهش حاضر لازم است چند نوع پژوهش انجام شده در این زمینه را بررسی کنیم:

۱- پژوهش‌هایی در باب تحلیل حقوقی، فقهی یا تربیتی مفاد کنوانسیون حقوق کودک، از زمان تصویب کنوانسیون حقوق کودک انجام گرفته‌اند که عبارتند از: کتاب تحلیل کنوانسیون

حقوق کودک (حسینی، ۱۳۹۲)، کتاب کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی/ایران (مصفا، ۱۳۸۴)، مقاله «بررسی مقایسه‌ای قوانین و مقررات ایران با کنوانسیون حقوق کودک» (عباسی کلیمانی، ۱۳۸۹، صص ۹۶-۱۱۷)؛ مقاله «نقد تربیتی بر کنوانسیون حقوق کودک» (آذربایجانی، ۱۳۸۹). لازم به ذکر است که در هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، مطالعه‌ای یا نقدی در باب ترجمه کنوانسیون مذکور صورت نگرفته است.

۲- یک اثر پژوهشی در باب معرفی نظریه آنتوان برمن انجام شده است که عبارت است از ترجمه کتاب ترجمه و جزء کلمه (لفظ) یا بیتوته در دوردست (برمن، ۱۳۹۰) توسط فاطمه عشقی. این کتاب، تنها اثر آنتوان برمن است که تاکنون به فارسی ترجمه شده است. برمن در این کتاب، گرایش‌های تحریفی متن، اصول اخلاقی ترجمه و نظریه ترجمه خویش را بیان کرده است.

۳- یک اثر پژوهشی در باب کاربرد نظریه ترجمه آنتوان برمن در ترجمه متون حقوقی انجام گرفته است و آن عبارت است از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان فرانسه نوشته هدیه نصیری، با عنوان ترجمه‌شناسی قوانین مدنی و جزای فرانسه با تکیه بر رویکرد هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر (نصیری، ۱۳۹۷؛ Nassiri, 2018). در این پایان‌نامه که به زبان فرانسه نگاشته شده است، رویکرد هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر و پیروان این رویکرد از جمله والتر بنیامین و آنتوان برمن مورد مطالعه قرار گرفته و نمونه‌هایی از ترجمه قوانین مدنی و جزایی فرانسه به فارسی، براساس این رویکرد (بیگانه‌گرایی)، مورد تحلیل انتقادی قرار گرفته‌اند. در این اثر، خاستگاه فکری و فلسفی آنتوان برمن به تفصیل بیان شده است. به غیر از این پژوهش، تاکنون پژوهش حقوقی دیگری در ارتباط با نظریه ترجمه برمن انجام نشده است.

۴- پژوهش‌های متعددی در باب کاربرد مکتب تفسیری هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر در تفسیر قانون انجام گرفته است. در این زمینه می‌توان به چند کتاب و مقاله اشاره نمود. کتاب تفسیر قانون (نظریات و قواعد تفسیری) (محقق داماد، و پورمحمدی، ۱۴۰۴، صص ۱۹۲-۲۱۵) در فصلی از این کتاب به نظریه مشهور هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر که در تفسیر حقوق تحت نام "قصدگرایی" یا "مؤلف محوری" (یا تفسیر براساس قصد قانونگذار) شناخته می‌شود پرداخته شده است. کتاب فلسفه تفسیری حقوق (جعفری تبار، ۱۳۸۸)، کتابی است که در فصل‌هایی از آن، به قواعد تفسیر حقوق از جمله "قصدگرایی" اشاره شده و توضیحاتی در مورد آن بیان شده

است (همان، صص ۱۸۸-۱۹۹). کتاب مکتب‌های تفسیری در حقوق بر بنیاد هرمنوتیک حقوقی (آقایی، ۱۳۸۸) اثر دیگری است که هرمنوتیک شلایرماخر را به عنوان یکی از مکاتب تفسیر حقوقی مورد مطالعه قرار داده است (همان، صص ۱۳۸-۱۴۸). یک مقاله نیز با عنوان «هرمنوتیک و اصول فقه: نگاهی به انواع قصدی‌گرایی در غرب و مقایسه آن با دیدگاه تفسیری اصولیان شیعه» (عابدی سرآسیا و همکاران، ۱۳۸۹) منتشر شده است که در آن، به خوبی قصدگرایی شلایرماخر را توضیح داده است (همان، صص ۶۸-۷۰). در این مقاله به قصدگرا بودن اصولیان شیعه در تفسیر قرآن و احکام فقهی اشاره شده است (همان، ص ۷۸). همان‌طور که گفتیم در این آثار، به نظریه قصدگرایی شلایرماخر در تفسیر حقوق، قانون، احکام فقهی اشاره شده است، ولی در زمینه ترجمه متون حقوقی با چنین رویکردی، مطلبی بیان نشده است.

نوآوری انجام شده در این مقاله، عبارت از این است که مقاله حاضر برای اولین بار ترجمه فارسی یک کنوانسیون بین‌المللی را براساس نظریه ترجمه آنتوان برمن مورد تحلیل قرار داده است. درواقع در مورد نظریه ترجمه آنتوان برمن، شکاف کاربردی وجود دارد؛ یعنی کاربرپذیری این نظریه در ترجمه متون قانونی، در قالب یک مقاله پژوهشی، تاکنون بررسی نشده است. در این مقاله سعی شده تا برای اولین بار، ترجمه یک کنوانسیون بین‌المللی که قانونگذار ایران، آن را ترجمه و به عنوان قانون تصویب نموده است، براساس نظریه ترجمه برمن تحلیل شود. به علاوه مقاله حاضر از این جهت دارای تازگی است که ترجمه یک متن قانونی، از زاویه اصول اخلاقی هرمنوتیک رمانتیک، و به طور خاص، براساس نظریه ترجمه برمن که اصول اخلاقی هرمنوتیک رمانتیک را در ترجمه عینیت بخشیده، مورد تحلیل قرار گرفته است. در واقع در این پژوهش، پیوندی میان رشته مطالعات ترجمه و حقوق برقرار شده است. همچنین در این مقاله ضمن بیان اصول اخلاقی ترجمه از نگاه برمن، همپوشانی این اصول اخلاقی، با اصول اخلاقی در تفسیر و ترجمه حقوقی تبیین شده‌اند.

۳. مبنای نظری نظریه ترجمه آنتوان برمن

۳-۱. خاستگاه فلسفی نظریه ترجمه آنتوان برمن

آنتوان برمن^۱ (۱۹۹۱-۱۹۴۲) فیلسوف، مترجم، تاریخ‌شناس، ترجمه‌شناس و نظریه‌پرداز فرانسوی ترجمه است. آثار وی در باب ترجمه‌شناسی و نقد و تحلیل ترجمه از اهمیت بسزائی برخوردار است. وی معتقد بود برای نقد و تحلیل ترجمه، روش‌های متعددی بنابر نظریه‌های متعدد ترجمه وجود دارد و او نیز روش خاص خود را برای تحلیل ترجمه برگزید. برمن معتقد است که ترجمه‌شناسی به‌طور کلی و نظریه ترجمه او به‌طور خاص، خاستگاه فلسفی دارند (Berman, 1985, p. 39). از نظر خاستگاه فلسفی، روش‌شناسی آنتوان برمن، ریشه در هرمنوتیک رمانتیک فریدریش شلایرماخر^۲ و نظریه ترجمه وی دارد. برمن سخنرانی شلایرماخر با عنوان «روش‌های مختلف ترجمه: و سایر نوشته‌ها»^۳ (Schleiermacher, 1999) را از آلمانی به فرانسه ترجمه کرده است. رویکرد برمن، بر «نظریه آلمانی» رمانتیک ترجمه تمرکز دارد که عمداً در تقابل با ترجمه‌های «به سبک فرانسوی» (ترجمه مقصدگرا) توسعه یافته است. وی گرایش‌های تحریف متن را بر اساس رویکرد آلمانی رمانتیک به ترجمه مطرح کرده است.

شلایرماخر هم در باب هرمنوتیک دینی و فلسفی و هم در باب ترجمه دارای نظریه است. شلایرماخر در باب هرمنوتیک و تفسیر متون، اصول کلی بنیان نهاد و معتقد بود که این اصول کلی تفسیر، ماهیتی اخلاقی دارند. شلایرماخر اولین فیلسوفی بود که اخلاقی بودن اصول تفسیر را مطرح کرد (Schleiermacher, 1989, p. 156). اصول اخلاقی تفسیر شلایرماخر بر دو پایه قرار دارد: اصول اخلاقی عینی: تفسیر دستوری و اصول اخلاقی ذهنی: تفسیر روانشناسانه. تفسیر دستوری مبتنی بر تفسیر زبانشناسانه و تاریخی متن است و تفسیر روانشناسانه مبتنی بر شناخت ذهنیت مؤلف است (Thénault, 2016, p. 8). از نظر شلایرماخر، یک تفسیر درست، نه تنها نیازمند فهم بافت فرهنگی و تاریخی خاص مؤلف است، بلکه به فهم قصد و ذهنیت خاص مؤلف نیز وابسته است (پورحسن، ۱۳۹۲، ص ۲۴۳). شلایرماخر در باب ترجمه نیز دارای نظریه است. شلایرماخر در مقاله «روش‌های مختلف ترجمه» از ترجمه مبدأگرا دفاع می‌کند و اصل بنیادین اخلاقی ترجمه را حفظ بیگانگی متن مبدأ می‌داند (Schleiermacher, 1999, pp. 31-57). برمن اصل اخلاقی ترجمه از نظر شلایرماخر را «شناخت و پذیرش بیگانه آن‌طور که هست»

¹ Antoine Berman

² Friedrich Schleiermacher

³ Des différentes méthodes du traduire: et autre texte

می‌داند (Berman, 1985, p.88). برمن در کتاب *آزمون بیگانه*، نظریه ترجمه شلایرماخر را توضیح می‌دهد و از آن دفاع می‌کند (Berman, 1984, p.235). برمن در کتاب *ترجمه و لفظ* یا *بیتوته* در دوردست با اشاره به شلایرماخر به این امر اذعان می‌کند که هیچ‌کس بهتر از شلایرماخر نتوانسته است که تعریفی از ترجمه اخلاقی در آلمان رمانتیک ارائه دهد. او می‌افزاید که شلایرماخر به شدت منتقد ترجمه قوم‌مدار و فرامتنی بود و اخلاق‌مندی ترجمه را حفظ بیگانگی متن مبدأ (ترجمه تحت‌اللفظی در نگاه رمانتیسیسم) می‌دانست (برمن، ۱۳۹۰، ص ۹۱). از نگاه برمن، مبدأگرایی و اصل اخلاقی بیگانه‌گرایی در ترجمه، به معنای ترجمه تحت‌اللفظی در اصطلاح عامیانه نیست؛ بلکه منظور برمن از ترجمه تحت‌اللفظی، خودداری مترجم از گرایش‌های تحریف متن مبدأ است (Bandia, 2001, p.123).

۲-۳. نظریه ترجمه آنتوان برمن به مثابه اصول اخلاقی ترجمه

آنتوان برمن نظریه ترجمه خویش را براساس رویکرد آلمانی هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر مطرح نموده است. از نظر برمن، طبق رویکرد آلمانی هرمنوتیک رمانتیک، ترجمه دارای اصولی اخلاقی است و ترجمه‌ای که این اصول اخلاقی را رعایت کند، ترجمه اخلاقی تلقی می‌شود. از نظر برمن، ترجمه‌ای اخلاقی است که دارای سه خصلت نباشد: ترجمه نباید قوم‌مدار باشد، ترجمه نباید فرامتنی باشد و اینکه ترجمه نباید افلاطونی باشد (Berman, 1985, pp. 48-49). برمن، معتقد است که با تحلیلی که از ترجمه ارائه کرده است، سنت قوم‌مداری، فرامتنی بودن و افلاطونی بودن ترجمه سنتی را تخریب کرده است. وی تحلیل ترجمه را نقد قوم‌مدار بودن، فرامتنی بودن و افلاطونی بودن ترجمه می‌داند (Ibid., pp. 46-47). این سه خصلت، خصلت‌های نام‌آشنای ترجمه سنتی هستند. برمن، منتقد سرسخت این خصلت‌ها است، زیرا این خصلت‌ها در ترجمه سبب می‌شوند که ترجمه، بیگانگی متن مبدأ را از بین ببرد و ترجمه، دیگر بوی ترجمه ندهد.

برمن معتقد است ترجمه اخلاقی تنها از طریق بیگانه‌گرایی یا به تعبیری، از طریق پذیرش بیگانه در کالبد نفسانی‌اش امکان‌پذیر است. متن مبدأ یا اثر مؤلف، مانند یک موجود زنده، دارای فردیت، یگانگی، اصالت و بیگانگی است و در طی قرون، قادر به ادامه حیات است (Berman, 1985, pp. 89-90). حفظ این بیگانگی و اصالت در ترجمه تنها از طریق ترجمه مبدأگرا، بیگانه‌گرا،

مؤلف محور و تحت‌اللفظی امکانپذیر است. از نظر برمن، ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه نص‌محور یا کلمه به کلمه نیست (برمن، ۱۳۹۰، ص ۱۶)، بلکه ترجمه‌ای به دور از گرایش‌های تحریفی و ترجمه‌ای با پرهیز از قوم‌مدار شدن، فرامتنی شدن و افلاطونی شدن است که او آن‌ها را توضیح داده است.

برمن توضیح می‌دهد که در ترجمه قوم‌مدار، مترجم، متن مبدأ را بر اساس فرهنگ زبانی و اجتماعی مقصد و بر اساس اصول و ارزش‌های جامعه مقصد ترجمه می‌کند (Berman, 1985, p.48). ترجمه فرامتنی، به هر متن ازدیاد یافته از طریق تقلید، نسخه‌برداری، تقلید سبکی، اقتباس، سرقت کلامی، بازآفرینی آزادانه، تفسیر و هر نوع تغییر شکل‌یافتگی نشأت گرفته از یک متن دیگر که قبلاً وجود داشته است، اطلاق می‌شود (برمن، ۱۳۹۰، صص ۳۱ و ۳۸-۳۹). از نظر برمن، ترجمه قوم‌مدار، لزوماً ترجمه‌ای فرامتنی و ترجمه فرامتنی، لزوماً ترجمه‌ای قوم‌مدار است (همان). مترجم در ترجمه افلاطونی، متن مبدأ را زیباتر ترجمه می‌کند و با تفاخرگرایی، نغزگویی و آراسته کردن، سبک اصیل متن مبدأ را از بین می‌برد (همان، ص ۶۳). در واقع از نظر برمن، ترجمه مقصدگرا، ترجمه‌ای اخلاقی نیست، زیرا ترجمه‌ای قوم‌مدار، فرامتنی و افلاطونی است. برمن معتقد است که قوم‌مدار شدن، فرامتنی شدن و افلاطونی شدن ترجمه، منجر به بومی‌سازی متن مبدأ و بیگانه‌زدایی از متن مبدأ می‌شود (Berman, 1985, p.49).

در ترجمه متون حقوقی نیز مترجمان تمایل زیادی به انجام ترجمه مقصدگرا دارند و با ملاحظه ترجمه ایشان، می‌توان نمودهایی از قوم‌مدار شدن و فرامتنی شدن ترجمه را دید. به‌طور مثال مترجم حقوقی به فرهنگ حقوقی و نظام حقوقی مبدأ توجه نمی‌کند و متن مبدأ را بر اساس فرهنگ حقوقی مقصد و براساس اصول و ارزش‌های حقوقی نظام حقوقی مقصد ترجمه می‌کند. به‌طور مثال، نظام حقوقی مبدأ، نظام حقوقی کامن‌لا یا نظام حقوقی رومی-ژرمنی و در واقع یک نظام حقوقی سکولار است و مترجم، متن مبدأ را براساس نظام حقوقی دینی (اسلامی) و ارزش‌های حاکم بر نظام دینی ترجمه می‌کند. این ترجمه، ترجمه‌ای قوم‌مدار تلقی می‌شود. یا به‌طور مثال، مترجم با سانسور کردن لفظ حقوقی مبدأ و حذف آن در ترجمه، فرهنگ حقوقی حاکم بر متن مبدأ را نادیده می‌گیرد. برمن معتقد است که سانسور کردن و حذف کردن لفظ مبدأ، ترجمه قوم‌مدار محسوب می‌شود (برمن، ۱۳۹۰، ص ۳۳). در ترجمه کنوانسیون نیز ملاحظه

خواهیم نمود که مترجم، لفظ جنسیت را از موارد عدم تبعیض حذف نموده است (بند ۱ ماده ۲). بعلاوه گاهی مترجم بدون توجه به سبک حقوقی متن مبدأ (کنوانسیون بین‌المللی)، متن را با تقلید از سبک حقوقی فقهی - اسلامی ترجمه می‌کند و متن مقصد، با الفاظ، لحن و سبک فقهی - اسلامی نگاشته می‌شود. این ترجمه، ترجمه فرامتنی تلقی می‌شود.

۳-۳. گرایش‌های تحریف متن آنتوان برمن به مثابه نقض اصول اخلاقی ترجمه

آنتوان برمن در جایگاه مترجم و نظریه‌پرداز، نگاه ویژه‌ای به متن مبدأ داشت و با هدف برجسته ساختن هویت و فرهنگ بیگانه در ترجمه و احترام به غرابت و بیگانگی متن مبدأ تأکید می‌نمود که مترجم باید از جهت ساختار لغوی و نحوی و ذهنیت مؤلف، وفادار و مقید به متن مبدأ باشد. به اعتقاد وی در ترجمه هر متن، باید حالت بیگانگی موجود در متن مبدأ را حفظ کرد و نباید در ترجمه تغییراتی به نفع زبان مقصد ایجاد کرد. آنتوان برمن، هرگونه حذف، اضافه، تغییر در سبک نویسنده، تغییر ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی را تحریف متن مبدأ شمرده و از آن به‌عنوان «نظام تحریف متن» یاد می‌کند (Berman, 1985, p.45). نظام تحریف متن شامل مجموعه‌ای از «گرایش‌های تحریف متن» است که هدف آن‌ها، تخریب لفظ به نفع معنا است (برمن، ۱۳۹۰، ص ۵۷).

برمن با رویکرد مقصدگرا در ترجمه مخالف است، زیرا این ترجمه، ترجمه‌ای مملو از گرایش‌های تحریفی است. او ترجمه به سبک فرانسوی را ترجمه‌ای مقصدگرا می‌داند. وی مقصدگرایی در ترجمه یا بومی‌سازی را موجب از بین رفتن هویت بیگانه متن مبدأ می‌داند. وی طرفدار بیگانه‌سازی متن مقصد و احترام به هویت بیگانه متن مبدأ است.

برمن توصیه می‌کند که مترجمان در زمان ترجمه از به‌کارگیری گرایش‌های تحریفی پرهیز کنند و اصالت، هویت و بیگانگی متن مبدأ را حفظ کنند. این گرایش‌های تحریفی، در ترجمه سنتی (که برمن آن را ترجمه قوم‌مدار، فرامتنی و افلاطونی و به‌طور کلی ترجمه مقصدگرا معرفی کرده است) به وفور قابل‌مشاهده است. در واقع برمن، با ارائه گرایش‌های تحریف متن، می‌خواست چهره واقعی ترجمه سنتی (ترجمه مقصدگرا) را برملا کند (برمن، ۱۳۹۰، ص ۷۷). گرایش‌های سیزده‌گانه تحریف متن (برمن، ۱۳۹۰، صص ۵۷-۷۷؛ Berman, 1985, pp.52-68) در نظریه برمن عبارتند از:

۱. **عقلایی سازی:** تغییر در ساختار نحوی و تغییر در علامت گذاری متن مبدأ، عقلایی سازی است. عقلایی سازی، ساختار شاخه‌ای متن اصلی را به ساختاری خطی مبدل می‌کند. این گرایش تحریفی، عینیت متن را از بین می‌برد و متن اصلی را انتزاعی، کلی و مبهم می‌کند. عقلایی سازی، با وارونه کردن هدف اصلی متن (که همان عینیت بخشی است) و با خطی کردن ساختار نحوی، متن مبدأ را تحریف می‌کند. در عقلایی سازی، جملات، با هنجارهای نحوی زبان مقصد ساخته می‌شوند. جملات پیچیده، به جملات ساده تبدیل می‌شوند. جملات طولانی، کوتاه می‌شوند. جملات بدون فعل، با فعل نوشته می‌شوند. افعال، به اسامی تبدیل می‌شوند یا بالعکس. در عقلایی سازی، ساختار نحوی، ساده سازی می‌شود.

۲. **شفاف سازی:** شفاف سازی، به صورت زنجیره وار به عقلایی سازی متصل است. شفاف سازی از طریق افزودن کلمه یا کلمات؛ گذار از چندمعنایی به تک معنایی الفاظ و شرح و توضیح مواردی که در متن، روشن نیست انجام می‌شود. حشو و افزودن واحدهای معنایی؛ توضیح و آشکار سازی آنچه که در متن اصلی نیست و نمی‌خواهد باشد، تکمیل جملات برای رفع ابهام، تصریح سازی متن، انواع مختلف شفاف سازی هستند. به عبارتی دیگر، ترجمه تفسیری و توضیحی، شفاف سازی متن محسوب می‌شوند. ارائه توضیحات در پاورقی ترجمه برای رفع ابهام، شفاف سازی محسوب می‌شود.

۳. **اطناب کلام یا گسترش متنی:** در این نوع تحریف، ترجمه نوعاً طولانی تر از متن اصلی می‌شود و این حاکی از اطناب در کلام است. عقلایی سازی و شفاف سازی، طبعاً منجر به اطناب متن خواهد شد. لازم به ذکر است که افزایش حجم متن، هیچ اثری بر افزایش معناداری متن نمی‌گذارد. اطناب کلام، به ریتم و ضرب آهنگ متن مبدأ نیز آسیب می‌زند.

۴. **تفاخرگرایی در مقابل عامیانه سازی:** تفاخرگرایی، نقطه اوج ترجمه افلاطونی محسوب می‌شود که فرم آن، در ترجمه کلاسیک فرانسه قابل مشاهده است. بلیغ کردن نثر مبدأ و شاعرانه کردن متن منظوم؛ تولید جملات فاخر؛ نغزگویی در نثر، مصادیقی از تفاخرگرایی است. هدف در این گرایش تحریفی، آراسته و زیباتر کردن متن مبدأ از لحاظ فرم، ریتم و لغات است. مترجم بر اساس هنجارها و قواعد زبان مقصد، دست به زیباسازی متن مبدأ می‌زند و سبک متن مبدأ را از بین می‌برد. عامیانه سازی، نقطه مقابل تفاخرگرایی است. عامیانه سازی، فروکاستن زبان مبدأ به

زبان گفتاری و استفاده از زبانی عامیانه، کوچه‌بازاری و محاوره‌ای است. تفاخرگرایی و عامیانه‌سازی، هر دو، یک نوع بازنویسی متن از طریق تغییر سبک است (سبک، یا زیبا می‌شود یا عامیانه می‌شود).

۵. **غنازدایی کیفی:** غنازدایی کیفی، بکاربردن کلمات و جملاتی است که از لحاظ غنای آوایی، غنای معنایی یا نمادین (نمایه‌ای) پایین‌تر از غنای کلمات مبدأ هستند. هر واژه‌ای، نمادی تصویری از مرجع خود است و شباهتی بین خود و مرجعش وجود دارد؛ یعنی از لحاظ ماهیت آوایی و مادی خود، تصویری نمادین از مرجعش را نمایش می‌دهد و مترجم نباید با غنازدایی کیفی، این تصویر نمادین را از بین ببرد. هر واژه دارای یک غنای نمایه‌ای یا آیکونیک است که در اثر غنازدایی کیفی از بین می‌رود.

۶. **غنازدایی کمی:** حذف تعدد واژگانی هنگامی که برای یک مدلول، چند دال وجود داشته باشد، غنازدایی کمی است. اطناب کلام از گرایش‌هایی است که غنازدایی کمی را می‌پوشاند و پنهان می‌کند. در غنازدایی کمی، تعداد دال‌ها در ترجمه، کمتر از متن اصلی می‌شود. در متن اصلی، یک مدلول، تکثری از دال‌ها دارد، ولی در ترجمه، این دال‌های متعدد حذف می‌شوند. در غنازدایی کمی، به بافت واژگانی اثر آسیب وارد می‌شود و این آسیب، با اطناب کلام پوشیده می‌شود.

۷. **همگون‌سازی متن:** همسان‌سازی بافت متن در تمام سطوح، اصلاح بافت غیرهمگون متن مبدأ، تبدیل بافت غیرهمگون به همگون، خواناسازی، روان‌سازی، متحدالشکل کردن بافت متن از طریق تخریب بافت متن مبدأ، ابهام‌زدایی متن، مصادیقی از همگون‌سازی هستند. بافت متن، اساساً ناهمسان و ناهمگون است و مترجم به سوی یکدست کردن ناهمسانی متن مبدأ می‌رود. این گرایش، مجموعه‌ای از گرایش‌های تحریفی را گرد هم می‌آورد.

۸. **تخریب ضرب‌آهنگ:** تغییر علامت‌گذاری، موجب تخریب ضرب‌آهنگ متن می‌شود. هر متنی موزون است، حتی اگر ادبی نباشد. با تخریب ضرب‌آهنگ، موزون بودن متن اصلی از بین می‌رود. تخریب ضرب‌آهنگ متن با هدف روان‌سازی متن انجام می‌شود. بریدن جملات با علامت‌گذاری جدید، موجب تخریب ضرب‌آهنگ متن می‌شود.

۹. **تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن:** این گرایش عبارت است از، از بین بردن زنجیره واژگانی در متن اصلی، که بدون بیان مستقیم، معنای خاصی را منتقل می‌کند. در متن اصلی، زنجیره‌ای از دال‌های کلیدی وجود دارد که شبکه خاص معنایی ایجاد کرده است و مفهوم خاصی را بیان می‌کند. مترجم با تخریب این زنجیره دال‌ها، شبکه معنایی متصل به این زنجیره را از بین می‌برد.

۱۰. **تخریب نظام‌مندی اثر:** تغییر نوع جملات و تغییر زمان افعال که موجب همگون‌سازی متن می‌شوند، نظام‌مندی اثر را از بین می‌برند. عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی و اطناب کلام، موجب تخریب نظام‌مندی اثر می‌گردد. تغییر طول جملات، نظام‌مندی اثر را از بین می‌برد (جملات، کوتاه یا بلند می‌شوند). تغییر سبک متن مبدأ، نظام‌مندی اثر را تخریب می‌کند. این گرایش سبب می‌شود ترجمه، نشانه‌های متن اصلی را نداشته باشد. ترجمه دچار عدم انسجام و نظام‌مندی می‌شود و نمی‌توان دیگر به آن اعتماد کرد.

۱۱. **تخریب یا بدیع‌سازی شبکه‌های زبانی زبان‌های بومی:** یعنی حذف چندزبانگی و حذف زبان‌های بومی از متن. زبان بومی یا محلی، یک زبان نمایه‌ای (آیکونیک) است و مترجم، این نمایه را از بین می‌برد. حذف مصغرها، جایگزینی افعال معلوم با افعال مجهول، جایگزینی اصطلاح بومی با یک جمله توضیحی، ایتالیک کردن زبان بومی، مصادیقی از این نوع تخریب هستند.

۱۲. **تخریب اصطلاحات:** جایگزین کردن تصاویر، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و استعاره‌های متن مبدأ که تجلی‌گاه زبان مبدأ هستند با معادل آن در متن مقصد، مصادیقی از گرایش مذکور است. در این گرایش، عبارات استعاره‌ای تخریب می‌شوند. مترجم، معادل‌هایی را منطبق با فرهنگ زبان مقصد، جایگزین اصطلاحات متن مبدأ می‌کند.

۱۳. **حذف انباشتگی زبان‌های موجود در متن مبدأ:** در این گرایش، یکی از لهجه‌های زبان مبدأ حذف می‌شود. در این گرایش، لهجه‌ای بومی که با یک گویش برتر در متن همزیستی دارد، حذف می‌شود؛ مانند همزیستی لهجه اسپانیایی-آمریکای لاتین و لهجه اسپانیایی-اسپانیا در متن مبدأ؛ یا حذف زبان بومی در متن که با وجود شباهت، در اثر تغییراتی به لحاظ نحوی از زبان اصلی متن فاصله گرفته است.

۴. پیوند نظریه ترجمه آنتوان برمن با تفسیر و ترجمه حقوقی

۴-۱. اشتراک خاستگاه فلسفی

همان‌طور که در مباحث پیشین اشاره نمودیم، نظریه ترجمه آنتوان برمن برگرفته از هرمنوتیک رمانتیک شلایرماخر است. در فلسفه تفسیری حقوق، نظریه شلایرماخر به نظریه «قصدی‌گرایی» (قصدگرایی) یا «مؤلف‌محوری» شناخته می‌شود. هرمنوتیک مؤلف‌محور یا قصدگرا به این معنا است که مؤلف متن، منبع و منشأ معنای اثر است و در قلمروی تفسیر حقوق، هدف مطلوب، رسیدن به نیت و مقصود مؤلف اثر است. قصدگرایی به معنای شناخت مدلول کلام که مقصود صاحب اثر است، می‌باشد (عابدی سراسیا، ۱۳۸۹، ص ۶۸). بنابراین در این رویکرد، مفسر براساس قصد قانونگذار، متن قانون را تفسیر می‌کند. مفسر باید قصد قانونگذار را تحصیل کند. شیوه تحصیل قصد و نیت قانونگذار از متن قانون، این است که مفسر باید قانون را همان‌گونه فهم کند که مخاطب در زمان تصویب قانون می‌فهمیده است. مفسر باید مصلحت قانونگذار را هم‌زمان با عصر قانونگذار (نه در زمان حال) در نظر بگیرد (جعفری تبار، ۱۳۸۸، ۱۹۷). به‌طور مثال مفسر باید با رجوع به مذاکرات نمایندگان مجلس در زمان تصویب قانون، مقصود قانونگذار را متوجه می‌شود. در مجلس اعیان انگلیس، رجوع به مذاکرات نمایندگان پیش از تصویب و در ایالات متحده، مطالعه گزارش‌های کمیته کنگره در زمان تصویب، برای رعایت و شناخت قصد قانونگذار در تفسیر متون قانونی، امری ضروری است (همان، ص ۱۹۸). لذا همان‌طور که مؤلف‌محوری در تفسیر قانون یکی از روش‌های تفسیر حقوقی محسوب می‌شود، در ترجمه متون حقوقی نیز می‌توان این رویکرد را بکار بست.

۴-۲. اشتراک اصول اخلاقی

در تفسیر متون حقوقی، یک سری الزامات و اصول اخلاقی وجود دارند که با اصول اخلاقی مطرح شده در نظریه ترجمه آنتوان برمن، شباهت زیادی دارند. در واقع، این اصول اخلاقی در تفسیر حقوقی، بیان نظریه برمن با تعابیری حقوقی است. لذا می‌توان گفت تفسیر حقوقی، دارای اصول اخلاقی مشترک با نظریه ترجمه برمن است. اگر مترجم در ترجمه متون حقوقی این اصول اخلاقی حقوقی را که همسو با نظریه ترجمه برمن است رعایت کند می‌تواند یک ترجمه اخلاقی از دیدگاه برمن ارائه دهد. اصول اخلاقی در تفسیر حقوقی عبارتند از:

الف- در تفسیر حقوقی مفسر باید قصد قانونگذار را از تصویب قانون بشناسد و باید آن قصد را در تفسیر رعایت کند (ر.ک به مبحث قصدگرایی در قسمت قبلی). اگر اصطلاحی در متن قانون است که برای مفسر در باب معنا ایجاد تردید می‌کند، مفسر باید با رجوع به سوابق و مذاکرات تصویب قانون، در همان زمان تصویب، معنای آن را کشف کند. در ترجمه متون حقوقی نیز چنین است. مترجم در ترجمه قانون نباید متعارض با قصد قانونگذار قانون مبدأ، ترجمه کند. ممکن است قصد قانونگذار قانون مبدأ، حمایت از حقوق بشر در معنای سکولار و لیبرال باشد. مترجم ایرانی، نباید متن قانونی مبدأ را طوری ترجمه کند که از آن، حمایت از حقوق بشر در معنای حقوق دینی استنباط شود. مترجم در ترجمه قانون، نباید قصد قانونگذار را سانسور کند. ممکن است قصد قانونگذار قانون مبدأ، سیاست‌گذاری در زمینه مبارزه با برخی از تبعیض‌ها باشد. مترجم ایرانی، نباید به دلیل همسو نبودن سیاست‌های حاکم بر نظام حقوقی مقصد با متن قانونی مبدأ، متن قانونی مبدأ را به نحوی تغییر دهد که سیاست‌های موجود در متن مبدأ، سانسور یا حذف شوند. از نظر برمن، سانسور یا حذف، یک ترجمه قوم‌مدار محسوب می‌شود که باید از آن پرهیز شود.

ب- در تفسیر حقوقی باید هماهنگ‌سازی بافتی^۱ رعایت شود: در واقع نظام حقوقی متن مبدأ، دارای یک انسجام بافتی و نظام‌مندی خاص است (به‌طور مثال بافت، فرهنگ و سبک نظام حقوقی کامن‌لا با نظام حقوقی رومی-ژرمنی و خصوصیات هردو این نظام‌ها با نظام حقوقی اسلامی متفاوت است). مفسر باید قانون را براساس بافت (کانتکست)، عناصر، ارزش‌ها و ساختار آن نظام تفسیر کند (جعفری‌تبار، ۱۳۸۸، ص ۱۸۷). اگر مفسر، یک قانون بین‌المللی را تفسیر می‌کند، باید آن را در سایه کل ساختار حقوق بین‌الملل تفسیر کند. در ترجمه متون حقوقی نیز مترجم باید بافت حقوقی، ساختار نظام حقوقی و فرهنگ حقوقی متن مبدأ را حفظ کند. به‌طور مثال مترجم نباید سبک حقوقی متن مبدأ را تغییر دهد. به‌طور مثال اگر مترجم در ترجمه کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی از سبک فقهی-اسلامی استفاده کند، مرتکب ترجمه فرامتنی شده است که آنتوان برمن آن را نقض اخلاق ترجمه می‌داند. اگر متن مبدأ دارای سبک حقوقی سکولار است، مترجم نباید با ادبیات و اصطلاحات فقهی و سبک حقوقی فقهی آن را ترجمه

¹ Contextual Harmonization

کند. تغییر سبک متن مبدأ و تغییر فرهنگ حقوقی متن مبدأ هم می‌تواند ترجمه‌ای قوم‌مدار باشد و هم فرامتنی. همان‌طور که برمن می‌گوید: «ترجمه قوم‌مدار لزوماً ترجمه‌ای فرامتنی است و ترجمه فرامتنی، لزوماً ترجمه قوم‌مدار است» (برمن، ۱۳۹۰، ۳۱).

پ-تفسیر حقوقی باید هم‌راستا با اصول کلی حقوقی باشد. یکی از اصول حقوقی که مفسر باید در تفسیر و نیز در ترجمه قانون رعایت کند، اصل کیفی بودن قانون است. اصل کیفی بودن قانون، انشعابی از اصل قانونمندی جرائم و مجازات‌ها است (مرادی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۳)^۱. رعایت اصل کیفی بودن قانون، یک مسئولیت اخلاقی بر عهده قانونگذار (به‌عنوان مؤلف قانون)، بر عهده مفسر قانون (همان، ص ۱۴۶) و همچنین بر عهده مترجم قانون است. اصل کیفی بودن قانون دارای سه مؤلفه است (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۸، صص ۱۱۰، ۴۶۰): ۱- قانون باید در دسترس عموم باشد. شهروند باید در زمان و در شرایطی که پرونده‌اش مطرح است بتواند اطلاعات کافی در خصوص قواعد حقوقی قابل‌اعمال نسبت به موضوع مطروحه، در اختیار داشته باشد؛ ۲- قانون باید صریح و دقیق باشد، به‌طوری‌که یک شهروند بتواند رفتار خود را براساس آن قانون تنظیم کند. در واقع براساس این مؤلفه، مترجم باید رفتار توصیف شده در متن مقصد را دقیقاً همان رفتاری ترجمه کند که در متن مبدأ توصیف شده است (از این ملاک می‌توان فهم بیگانه در فضای زبانی خودش و در کالبد نفسانی خودش را استنباط نمود)؛ ۳- آثار قانون باید قابل پیش‌بینی باشد، یعنی شهروند بتواند پیامدهای ملموس ناشی از ارتکاب یک فعل معین را در حد معقول پیش‌بینی کند.

مترجم ممکن است در نقض اصل کیفی بودن قانون، مرتکب چند نوع تحریف از میان گرایش‌های تحریفی آنتوان برمن شود:

اولاً مترجم ممکن است رفتار توصیف شده در متن قانونی مبدأ را بدون توجه به فرهنگ حقوقی متن مبدأ و بدون توجه به نظام حقوقی متن مبدأ تبدیل به معادلی نامناسب در متن مقصد کند. در این حالت، نه‌تنها آن رفتار، به‌طور دقیق توصیف نشده است؛ بلکه آثار حقوقی آن رفتار به‌درستی قابل پیش‌بینی نیست. به‌طور مثال، خانم ون‌دی شرم‌ن یکی از اعضای تیم مذاکره‌کننده ایالات متحده آمریکا در برجام، در مصاحبه‌ای اظهار می‌کند که آمریکا، عامدانه و به قصد فریب،

^۱ برای آشنایی با اصول کلی حقوقی رک ژان کلو، ۱۴۰۲

در متن برجام از واژه Lift در مورد تحریم‌ها استفاده کرده است؛ زیرا آمریکایی‌ها می‌دانستند که مذاکره‌کنندگان ایرانی از معنای واقعی اصطلاح Lift آگاه نیستند. همین‌طور هم بود، زیرا مذاکره‌کنندگان ایرانی تصور می‌کردند که اصطلاح Lift به معنای لغو تحریم‌ها یا خاتمه تحریم‌ها و مترادف اصطلاح End است و به همین دلیل متن برجام را امضا کردند. درحالی‌که اصطلاح حقوقی Lift در فرهنگ حقوقی ایالات متحده و به‌ویژه در اسناد کنگره آمریکا به معنای تعلیق تحریم‌ها بوده است و مذاکره‌کنندگان ایرانی در زمان ترجمه متن برجام به این امر توجه کافی نداشته‌اند (معمای یک کلمه در برجام، روزنامه شرق، ۱۳۹۷). مترجم حقوقی باید به این امر توجه کند که ممکن است یک اصطلاح حقوقی، در اسناد سازمان ملل، در اتحادیه اروپا یا در کنگره آمریکا معنای یکسانی نداشته باشد. در این فرض، مترجم با انتخاب معادلی نامناسب، مرتکب گرایش‌های تحریفی تخریب اصطلاحات و تخریب شبکه معنایی مستتر در متن شده است. برمن، با معادلیابی در ترجمه، به شدت مخالف است. او با نظریه «معادل پویا» در ترجمه مخالف است. مترجم با معادلیابی بر اساس فرهنگ حقوقی مقصد، تصور معنایی یا مدلول مختص به دال زبان مقصد را بیان می‌کند و نه مدلول اولیه در متن زبان مبدأ؛ در واقع، مترجم از میان چندین مقصود و منظور نهفته در بطن مدلول مرتبط با دال زبان مبدأ، با انتخاب واحد معنایی گزینش شده، سطح معنایی محدودی از گستره مربوط به آن مدلول را انتقال می‌دهد (عباسی و شریفی، ۱۴۰۲، ص ۲۰۵) و این امر سبب تخریب اصطلاحات و تخریب شبکه معنایی مستتر در متن می‌شود. در معادلیابی، مترجم از معادل‌هایی استفاده می‌کند که منطبق با فرهنگ اجتماعی، سیاسی یا حقوقی زبان مقصد است. مترجم ایرانی نباید در ترجمه کنوانسیون‌ها یا معاهدات بین‌المللی، معادل‌های حقوقی فقهی-اسلامی را با اصطلاحات حقوقی غربی جایگزین کند. برمن، معادلیابی را گرایش تحریفی تخریب اصطلاحات، ترجمه‌ای قوم‌مدار، حذف بیگانگی متن مبدأ و نقض اخلاق ترجمه می‌داند (برای آشنایی با کاربرد نظریه معادل پویا در ترجمه متون حقوقی ر.ک به مقاله ساسانی، نصیری، ۱۴۰۰، صص ۵۳۱-۵۶۳).

ثانیاً مترجم ممکن است یک رفتار توصیف شده در متن مبدأ را کاملاً حذف و سانسور کند و در متن مقصد به آن هیچ اشاره‌ای نکند (مانند حذف تبعیض جنسیتی از میان مصادیق حمایت از حقوق کودک در بند یک ماده ۲، در کنوانسیون حقوق کودک ترجمه شده توسط مجلس

ایران). در این حالت، هرچند آن رفتار در ترجمه حذف شده است، ولی چون این رفتار در متن مبدأ (کنوانسیون یا معاهده بین‌المللی) وجود دارد، آثار حقوقی آن رفتار، همچنان پابرجا و باقی است و مترجم-قانونگذار ایرانی (به‌طور مثال)، نمی‌تواند از پذیرش اثر حقوقی این رفتار، خود را مبرا کند. در این فرض، مترجم مرتکب گرایش تحریفی تخریب شبکه معنایی مستتر در متن شده است. سانسور متن مبدأ، یک نوع ترجمه قوم‌مدار محسوب می‌شود که برمن با آن مخالف است. برمن، ترجمه قوم‌مدار را ترجمه‌ای اخلاقی نمی‌داند.

لذا خواه رفتار توصیف شده در متن مبدأ به‌صورت غیر دقیق ترجمه شود، خواه رفتار توصیف شده در متن مبدأ، در متن مقصد حذف یا سانسور شود، آثار حقوقی واقعی آن رفتار، پابرجا است و کشور عضو معاهده یا عضو کنوانسیون نمی‌تواند به استناد ترجمه دلخواه خویش، از پذیرفتن آثار حقوقی آن رفتار خودداری کند.

۳-۴. تفکیک ترجمه حقوقی و ترجمه ادبی

رعایت اصول اخلاقی گفته شده قسمت پیشین در ترجمه متون حقوقی (به‌ویژه ترجمه قانون)، امری ضروری است؛ زیرا عدم رعایت این اصول اخلاقی موجب ایراد خسارت، تحمیل آثار حقوقی نادیده گرفته شده در ترجمه یا ناآگاهی از حقوق تضمین شده در متن قانون مبدأ، نسبت به ذینفعان قانون می‌گردد؛ ولی در ترجمه متون ادبی، اگر ترجمه بدون لحاظ اصول اخلاقی فوق‌الذکر یا بدون توجه به اصول اخلاقی آنتوان برمن انجام شود، پیامد خطرناکی برای مترجم یا مخاطبان ایجاد نمی‌کند. متون ادبی دارای پیامد و اثر حقوقی نیستند و مترجم اساساً آزاد است که ترجمه‌ای مقصدگرا انجام دهد یا مبدأگرا. این، قانونگذار-مترجم است که در ترجمه یک کنوانسیون یا معاهده بین‌المللی، مسئولیت حقوقی و اخلاقی دارد که متن مبدأ را با احترام به قصد و نیت نگارندگان آن قانون ترجمه کند و پایبند به اصول کلی حقوقی باشد؛ مترجم ادبی فاقد چنین مسئولیتی است. در ترجمه ادبی، پایبند نبودن به اصول اخلاقی آنتوان برمن، تنها موجب تحریف متن مبدأ می‌شود و خطر بالقوه‌ای برای مترجم یا خواننده ایجاد نمی‌کند. نهایت امر این است که خواننده می‌تواند برای رفع سوء فهم، به متن مبدأ رجوع کند و خودش آن را ترجمه و تفسیر کند.

همان‌طور که در قسمت قبل توضیح دادیم، ترجمه متون حقوقی، به‌ویژه ترجمه قوانین بین‌المللی، بدلیل داشتن پیامد حقوقی، از حساسیت زیادی برخوردار است و استفاده از معادل حقوقی، بدون توجه به نظام حقوقی مبدأ، می‌تواند آثار حقوقی متفاوت یا متعارضی با اصطلاح حقوقی مبدأ ایجاد کند. این در حالی است که در ترجمه متون ادبی، معادل‌گزینی، یک نوع ترجمه مقصدگرا محسوب می‌شود و پیامد خطرناکی برای مترجم یا مخاطب ایجاد نمی‌کند.

۵. بحث

۵-۱. معرفی قانون مورد مطالعه

قانون مورد مطالعه در این پژوهش، کنوانسیون حقوق کودک است. کنوانسیون حقوق کودک یک توافق‌نامه بین‌المللی است که میان کشورها منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل است (والاس، ۱۳۸۲، ص ۲۸۰). معمولاً عنوان کنوانسیون، برای کلیه توافقات بین‌المللی و همه جانبه که حاوی قواعد بنیادین بین‌المللی است بکار می‌رود.^۱ در زبان فارسی به کنوانسیون «مقاله‌نامه» نیز می‌گویند. نکته قابل ذکر این است که کنوانسیون، برخلاف معاهده، برای توافقات دو یا چند دولت محدود بکار نمی‌رود؛ بلکه توافقاتی را شامل می‌شود که اکثر کشورها در انعقاد آن مشارکت دارند. از این قبیل است: کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریا؛ کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات؛ کنوانسیون ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک و کنوانسیون ۱۹۶۳ روابط کنسولی. کنوانسیون باید طبق مقررات حقوق بین‌الملل تنظیم شود و این مقررات بر آن حاکم باشد و در نتیجه آثار حقوقی مشخصی را به بار آورد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۳، ص ۸۴). کنوانسیون حقوق کودک از جمله معاهدات قانون ساز است که موجد قواعد حقوقی عامی است که در حکم قوانین بین‌المللی به شمار آمده و رعایت آن برای کلیه کشورهای اعم از متعاهد و غیرمتعاهد، لازم‌الاجرا است (همان، ص ۸۶). سازمان ملل متحد در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ طی اجلاسی عمومی، کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد.^۲ بر اساس این کنوانسیون، تمامی کودکان دنیا از حق حیات برخوردار

^۱ <http://www.universalis.fr/encyclopedie/conventions-internationales/>

^۲ La Convention internationale des droits de l'enfant (CIDE) ou Convention relative aux droits de l'enfant, Adoptée et ouverte à la signature, ratification et adhésion par l'Assemblée générale dans sa résolution 44/25 du 20 novembre 1989, Entrée en vigueur le 2 septembre 1990, conformément à l'article 49 :

<http://www.ohchr.org/FR/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx>

هستند و رشد، مصونیت و حضور آن‌ها تضمین شده است. نماینده دائم دولت جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، در تاریخ ۵ سپتامبر سال ۱۹۹۰ میلادی برابر با تاریخ ۱۴ شهریور ۱۳۶۹ هجری شمسی مبادرت به امضای کنوانسیون حقوق کودک نمود (پورقهرمانی، ۱۳۸۸، ص ۱۱). مجلس شورای اسلامی ایران نیز در اول اسفند سال ۱۳۷۲ طی ماده واحده «قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک»^۱، کنوانسیون مذکور را پس از ترجمه به فارسی، تصویب کرد و این کنوانسیون در تاریخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۴ برای ایران لازم‌الاجرا گردید.

در مورد پیشینه تاریخی تصویب این کنوانسیون لازم به یادآوری است که پس از پایان جنگ جهانی اول، به سبب پیامدهای جنگ و آسیب‌های وارده به کودکان، در سال ۱۹۲۴ «اعلامیه حقوق کودک»^۲ در ژنو تنظیم شد که بیشتر در زمینه تغذیه، بهداشت و مسکن برای کودکان جنگ‌زده و حمایت از آنان در برابر آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از جنگ بود. تأسیس صندوق بین‌المللی کودکان^۳ (یونیسف) در سال ۱۹۴۷، گام مهم دیگری برای پرداختن به مسائل حقوقی کودکان جهان بود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اجلاس مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ «اعلامیه جهانی حقوق کودک»^۴ را در یک مقدمه و ده ماده به تصویب رساند که در واقع، اساس و بنیان کنوانسیون حقوق کودک را پی‌ریزی کرد. در پی تصویب این اعلامیه و پس از گذشت ۳۰ سال جهت تکمیل و در نظر گرفتن حقوق و امتیازات بیشتر برای کودکان، «کنوانسیون حقوق کودک»^۵ در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. تاکنون از میان ۱۹۷ عضو امضاکننده کنوانسیون، ۱۹۶ کشور (تمام اعضای ملل متحد به‌جز ایالات متحده آمریکا که

^۱ ر.ک: تارنمای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/۹۲۳۷۴>

^۲ Geneva Declaration of the Rights of the Child Adopted 26 September, 1924, League of Nations :<http://www.un-documents.net/gdrc1924.htm>

^۳ Le Fond des Nations Unies des secours d'urgence à l'enfance : <http://www.humanium.org/fr/histoire-des-droits-de-l-enfant/>

^۴ La Déclaration des Droits de l'Enfant, 1959 : <http://www.humanium.org/fr/normes/declaration-1959/>

^۵ La Convention internationale des droits de l'enfant (CIDE), ou Convention relative aux droits de l'enfant, Adoptée et ouverte à la signature, ratification et adhésion par l'Assemblée générale dans sa résolution 44/25 du 20 novembre 1989, Entrée en vigueur le 2 septembre 1990 : <http://www.ohchr.org/FR/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx>

تنها آن را در ۱۹۹۵ امضا کرده، ولی به عضویت کنوانسیون در نیامده و آن را تصویب نکرده است) این سند را تصویب کرده‌اند و یا به آن ملحق شده‌اند.^۱

دولت جمهوری اسلامی ایران با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسماً این کنوانسیون را پذیرفته است. ماده واحده «قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک» مصوب ۱ اسفند ۱۳۷۲ مقرر می‌نماید که: «کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود، مشروط بر آن که مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد». از نظر برخی از حقوق‌دانان معنای این ماده واحده این است که دولت جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم تصویب کنوانسیون، نه تنها قوانین داخلی خود را به منظور تطبیق با مفاد کنوانسیون اصلاح نخواهد کرد، بلکه ممکن است در آینده نیز قوانینی را وضع و اجرا نماید که با مقررات کنوانسیون مغایرت داشته باشد (مهرپور، ۱۳۸۳، ص ۱۴۸) و به هر صورت، هر جا مقررات کنوانسیون با قوانین داخلی فعلی ایران یا قوانین مصوب بعدی مغایر تشخیص داده شد، این مقررات برای دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نیست و همین امر است که مورد اعتراض بسیاری از کشورها قرار گرفته است بطوریکه این شرط کلی ایران را غیر قابل قبول و غیرمنطبق با کنوانسیون می‌دانند (همان). طبق اصل ۷۷ قانون اساسی ایران، عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس برسد، مجلس شورای اسلامی طی ماده واحده‌ای، الحاق به کنوانسیون حقوق کودک را با همین قید کلی ملزم نبودن به موارد مغایر با موازین اسلامی و قوانین داخلی تصویب نموده است. کنوانسیون حقوق کودک از یک مقدمه، سه بخش و ۵۴ ماده تشکیل یافته است. ۴۲ ماده آن مربوط به حقوق کودک می‌شود و ۱۲ ماده بخش دوم و سوم آن ناظر به شکل اجرای کنوانسیون می‌باشد. مواد ۴۶ و ۴۷ نحوه الحاق به کنوانسیون را تبیین نموده است (سعیدنیا، ۱۳۸۵، صص ۲۰۸ - ۲۴۲).

^۱ <http://www.humanium.org/fr/convention/etats-signataires-et-parties/>

چهار اصل بنیادین تشکیل دهنده کنوانسیون حقوق کودک عبارتند از: ۱- منع تبعیض علیه کودکان (ماده ۲)؛ ۲- حفظ منافع عالیۀ کودک (ماده ۳)؛ ۳- حق حیات و پیشرفت برای کودکان (ماده ۶)؛ ۴- حق اظهار نظر و آزادی بیان (ماده ۱۲).

برخی از محورهای مهمی که در کنوانسیون حقوق کودک مورد لحاظ قرار گرفته است عبارتند از:

توجه به لزوم مراقبت‌های ویژه در دوران کودکی (مقدمه)؛ تعریف کودک (ماده ۱)؛ منع تبعیض علیه کودکان (ماده ۲)؛ حفظ منافع عالیۀ کودک (ماده ۳)؛ لزوم تضمین تحقق حقوق کودک توسط کشورها (ماده ۴)؛ حق داشتن نام و کسب تابعیت یک مملکت (ماده ۷)؛ تضمین حق کودک برای حفظ هویت خود (ماده ۸)؛ حق زندگی همراه با والدین در صورت جدایی والدین (ماده ۹)؛ مبارزه با قاچاق کودکان (ماده ۱۱)؛ آزادی کودک در ابراز عقاید و بیان آن‌ها و آزادی در انتخاب مذهب (ماده ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۵)؛ آزادی در تشکیل و پیوستن به اجتماعات و تشکلهای (ماده ۱۵)؛ حفظ حریم خصوصی کودک (ماده ۱۶)؛ تضمین دسترسی کودک به اطلاعات مناسب (ماده ۱۷)؛ مسئولیت والدین در قبال کودک (ماده ۱۸)؛ محافظت از کودک در مقابل هرگونه سوءرفتار (ماده ۱۹)؛ مراقبت از کودکان بی سرپرست (ماده ۲۰)؛ حمایت از کودکان آواره و پناهنده (ماده ۲۲)؛ حمایت از کودکان اقلیت‌های قومی و مذهبی (ماده ۳۰)؛ منع استثمار اقتصادی کودکان (ماده ۳۲)؛ منع سوءاستفاده از کودکان در تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر (ماده ۳۳)؛ منع شکنجه، اعدام و حبس ابد برای کودکان زیر ۱۸ سال و حق دسترسی به معاضدت‌های حقوقی برای اطفال بزهکار (ماده ۳۷)؛ احترام به حقوق کودکان در زمان جنگ‌های مسلحانه و عدم استخدام کودکان زیر ۱۵ سال در جنگ‌های مسلحانه (ماده ۳۸)؛ رعایت اصول و آیین دادرسی کیفری در مورد کودکان بزهکار (ماده ۴۰)؛ رجحان قوانین مؤثرتر (ماده ۴۱)

۵-۲- مطالعه و نقد ترجمه کنوانسیون حقوق کودک در مقام عمل

اکنون بر اساس گرایش‌های تحریفی آنتوان برمن، متن قانون مصوب مجلس شورای اسلامی ایران را با نسخه فرانسه و انگلیسی^۱ کنوانسیون مقایسه می‌نماییم تا نشان دهیم که قانونگذار-

^۱ Convention on the Rights of the Child (CRC):

<http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx>

مترجم، در ترجمه کنوانسیون، چه تغییرات شکلی یا محتوایی صورت داده است که منجر به تحریف متن اصلی شده است. در واقع ما در این قسمت، ترجمه کنوانسیون را براساس اصول اخلاقی آنتوان برمن تحلیل خواهیم کرد.

مثال ۱- در اولین پاراگراف مقدمه مشاهده می‌کنیم:

Français: Considérant que, conformément aux principes proclamés dans la Charte des Nations Unies, la reconnaissance de la dignité inhérente à tous les membres de la famille humaine ainsi que l'égalité et le caractère inaliénable de leurs droits sont le fondement de la liberté, de la justice et de la paix dans le monde;...

English: Considering that, in accordance with the principles proclaimed in the Charter of the United Nations, recognition of the inherent dignity and of the equal and inalienable rights of all members of the human family is the foundation of freedom, justice and peace in the world,...

ترجمه فارسی: با توجه به این که طبق اصول اعلام شده در منشور سازمان ملل رسمیت شناختن حقوق لاینفک، مساوی و منزلت تمام اعضای خانواده بشری زیربنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است...

اگر به نسخه‌های انگلیسی و فرانسوی توجه کنیم، مشاهده می‌کنیم که مترجم، اصطلاح شناخته شده "برابری" l'égalité یا "حقوق برابر" را "حقوق مساوی" ترجمه نموده است که این یک نوع غنازدایی کیفی محسوب می‌شود. مترجم با پس و پیش نمودن کلمات "حقوق مساوی" و "حقوق لاینفک" و عدم رعایت توالی کلمات، ساختار نحوی را نیز تغییر داده است و هم‌زمان دست به عقلایی‌سازی و تخریب ضرب‌آهنگ متن اصلی زده است. مترجم، علامت‌گذاری کاما را بعد از عبارات "با توجه به اینکه" و "منشور ملل متحد" حذف نموده است که این عمل نیز یک نوع عقلایی‌سازی و تخریب ضرب‌آهنگ محسوب می‌شود. مترجم، سند بین‌المللی شناخته شده "منشور ملل متحد" را "منشور سازمان ملل" ترجمه کرده است که این عمل، هم‌زمان یک نوع غنازدایی کیفی از طریق تخریب غنای معنایی و آیکونیک واژه و تخریب

شبکه معنایی مستتر در متن محسوب می‌شود. بعلاوه در متن مبدأ، هیچ واژه‌ای به‌عنوان "سازمان" وجود ندارد، بلکه واژه "ملل" ذکر شده است.

مترجم همچنین از واژه عربی "لاینفک" به‌جای واژه "سلب‌ناپذیری" *inaliénable* = *inalienable* استفاده کرده است. مترجم با این عمل، غنازدایی کیفی از طریق تخریب غنای معنایی واژه نموده است. مترجم با حذف واژه "ذاتی" *inherent = inhérente* از متن مقصد، شبکه معنایی مستتر در متن و زنجیره دال‌ها را تخریب کرده است. بعلاوه حذف دال‌های موجود در متن، یک نوع غنازدایی کمی نیز محسوب می‌شود. مترجم با به‌کارگیری عبارت "با توجه به اینکه" اقدام به غنازدایی کیفی از طریق تخریب غنای معنایی و آوایی نموده است، درحالی‌که وی می‌توانست از عبارت شناخته‌شده حقوقی "نظر به اینکه" استفاده کند. بدلیل تحریف‌های متعددی که در ترجمه مشاهده می‌شود، نظام‌مندی اثر نیز تخریب شده است. این پاراگراف بایستی بدین نحو اصلاح شود:

ترجمه پیشنهادی بر اساس نسخه فرانسوی: «نظر به اینکه، طبق اصول اعلام شده در منشور ملل متحد، به رسمیت شناختن منزلت ذاتی (یا کرامت ذاتی) تمام اعضای خانواده بشری و نیز برابری و سلب ناپذیری حقوق ایشان زیربنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است...».

مثال ۲- در پاراگراف دوم مقدمه می‌خوانیم:

Français: Ayant à l'esprit le fait que les peuples des Nations Unies ont, dans la Charte, proclamé à nouveau leur foi dans les droits fondamentaux de l'homme et dans la dignité et la valeur de la personne humaine, et qu'ils ont résolu de favoriser le progrès social et d'instaurer de meilleures conditions de vie dans une liberté plus grande,

English: Bearing in mind that the peoples of the United Nations have, in the Charter, reaffirmed their faith in fundamental human rights and in the dignity and worth of the human person, and have determined to promote social progress and better standards of life in larger freedom.

ترجمه فارسی: با در نظر داشتن این که اعضای ملل، در منشور سازمان، اعتقاد خود را به حقوق اساسی، مقام و ارزش انسان و عزم خود را برای افزایش پیشرفت‌های اجتماعی و معیارهای بهتر زندگی در آزادی‌های بیشتر اعلام کرده‌اند.

در ترجمه ملاحظه می‌کنیم که غنازدایی کیفی با استفاده از صفت "اساسی" به جای "بنیادین" Fondamentaux= fundamental اتفاق افتاده است. بعلاوه مترجم واژه "بشر" Les droits fondamentaux de l'homme= fundamental human rights را از انتهای عبارت "حقوق اساسی" حذف کرده است. "حقوق بنیادین بشر" اصطلاح شناخته شده‌ای در حقوق است. در واقع مترجم، شبکه معنایی مستتر اصلی در متن اصلی را که "اعتقاد به حقوق بنیادین بشر" است، تخریب کرده است. بعلاوه مترجم با حذف واژه "بشر" از انتهای عبارت "حقوق اساسی" اقدام به غنازدایی کمی نیز نموده است و تعداد دال‌ها را در ترجمه کاهش داده است. مترجم عبارت "آزادی گسترده‌تر" liberté plus grande= larger freedom را "آزادی‌های بیشتر" ترجمه نموده است که یک نوع غنازدایی کیفی است. قید "باری دیگر" یا "مجدداً" Proclamé à nouveau reaffirmed= در ترجمه حذف شده است. صفت "متحد" از عبارت "ملل متحد" Des Nations Unies= the United Nations در ترجمه حذف شده است. فعل "فراهم نمودن" Instaurer= to promote نیز در ترجمه حذف شده است. صفت "فردی" personne=person که بعد از واژه "مقام" باید بیاید، در ترجمه حذف شده است. این حذفیات در ترجمه، تخریب شبکه معنایی مستتر در متن و غنازدایی کمی محسوب می‌شوند. مترجم می‌توانست به جای غنازدایی کیفی و استفاده از عبارت "با در نظر داشتن اینکه"، از عبارت "با امعان نظر به اینکه" استفاده کند. مترجم با غنازدایی کیفی، واژه dignité=dignity را "مقام" ترجمه کرده است، درحالی‌که ترجمه صحیح حقوقی آن، واژه "کرامت" یا "منزلت" است. مترجم می‌توانست به جای واژه "اعتقاد" از واژه حقوقی "التزام" استفاده کند تا غنای معنایی واژه faith=foi حفظ شود. در واقع در این پاراگراف، مترجم-قانونگذار با غنازدایی کیفی، تخریب شبکه معنایی مستتر در متن، غنازدایی کمی و تخریب نظام‌مندی متن مبدأ، اقدام به همگون سازی یا روان‌سازی متن نیز کرده است. ترجمه پیشنهادی این پاراگراف بدین قرار است:

ترجمه پیشنهادی بر اساس نسخه فرانسوی: «با امعان نظر به اینکه اعضای ملل متحد، در منشور، التزام خود را به حقوق بنیادین بشر و کرامت و ارزش فردی انسان باری دیگر اعلام کرده‌اند {یا بر التزام خود به حقوق بنیادین بشر و کرامت و ارزش فردی انسان تأکید کرده‌اند} و عزم کرده‌اند تا پیشرفت اجتماعی را تسهیل نموده و شرایط زندگی بهتری را با آزادی گسترده‌تر فراهم نمایند...».

لازم به ذکر است که در پایان همه پاراگراف‌های ترجمه مقدمه کنوانسیون، علامت‌گذاری‌های متن مبدأ تغییر کرده و از نقطه‌ویرگول در نسخه فرانسه و ویرگول در نسخه انگلیسی، به علامت نقطه تبدیل شده است که این امر مصداقی از عقلایی‌سازی، تخریب ضرب‌آهنگ و تغییر ساختار نحوی جملات فرانسوی یا انگلیسی است.

مثال ۳- در ماده یک کنوانسیون، کودک چنین تعریف شده است:

Français: Article Premier :Au sens de la présente Convention, un enfant s'entend de tout être humain âgé de moins de dix-huit ans, sauf si la majorité est atteinte plus tôt en vertu de la législation qui lui est applicable.

English: Article 1-For the purposes of the present Convention, a child means every human being below the age of eighteen years unless under the law applicable to the child, majority is attained earlier.

ترجمه فارسی: ماده ۱: از نظر کنوانسیون حاضر منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

در این ماده، مترجم قید "کمتر" از ۱۸ سال *âgé de moins= below the age of* را "زیر" ۱۸ سال ترجمه است که نوعی غنازدایی کیفی است. مترجم با غنازدایی کیفی و تخریب اصطلاحات، عبارت *tout être humain =every human being* را "افراد انسانی" ترجمه کرده است، درحالی‌که این عبارت حقوقی در مواد قوانین مختلف، به وفور وجود دارد و ترجمه صحیح آن "هر فرد" است. در حقوق، اصولاً از عبارت "افراد انسانی" استفاده نمی‌شود؛ زیرا این شائبه به وجود می‌آید که به غیر از افراد انسانی، افراد غیرانسانی نیز وجود دارند. مترجم

علامت‌گذاری‌های موجود در متن اصلی را حذف کرده است و بدین وسیله، اقدام به عقلایی‌سازی و تخریب ضرب‌آهنگ نموده است. ترجمه پیشنهادی ما بدین قرار است:

ترجمه پیشنهادی براساس نسخه فرانسوی: «از نظر کنوانسیون حاضر، کودک یعنی هر فرد کمتر از ۱۸ سال، مگر آن‌که سن بلوغ طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک کمتر از آن تشخیص داده شود».

مثال ۴- قسمت یک ماده ۲ کنوانسیون به شرح زیر است:

Français: Article 2: 1-Les Etats parties s'engagent à respecter les droits qui sont énoncés dans la présente Convention et à les garantir à tout enfant relevant de leur juridiction, sans distinction aucune, indépendamment de toute considération de race, de couleur, de sexe, de langue, de religion, d'opinion politique ou autre de l'enfant ou de ses parents ou représentants légaux, de leur origine nationale, ethnique ou sociale, de leur situation de fortune, de leur incapacité, de leur naissance ou de toute autre situation.

English: Article 2: 1-States Parties shall respect and ensure the rights set forth in the present Convention to each child within their jurisdiction without discrimination of any kind, irrespective of the child's or his or her parent's or legal guardian's race, colour, sex, language, religion, political or other opinion, national, ethnic or social origin, property, disability, birth or other status.

ترجمه فارسی: ماده ۲-۱: کشورهای طرف کنوانسیون، حقوقی که در این کنوانسیون برای کودکانی که در حوزه قضایی آن‌ها زندگی می‌کنند در نظر گرفته شده را بدون توجه به هر گونه تبعیض و بدون ملاحظه نژاد، رنگ، مذهب، زبان، عقاید سیاسی، ملیت خاستگاه‌های قومی و اجتماعی، مال، عدم توانایی، تولد و یا سایر احوال شخصیه والدین و یا قیم قانونی محترم شمرده و تضمین خواهد نمود.

در این ماده ملاحظه می‌کنیم که در نسخه فرانسوی و انگلیسی، کشورهای طرف کنوانسیون با لحنی آمرانه و با فعل "ملزم بودن"^۱ متعهد به رعایت مواردی شده‌اند؛ ولی در ترجمه، این

¹States Parties shall respect and ensure =Les Etats parties s'engagent à

الزام و تعهد مشاهده نمی‌شود و ساختار نحوی جمله تغییر یافته است. در واقع، الزامی بودن احترام به موارد اشاره شده در ماده مذکور، محو شده است و جمله ترجمه شده، وجه توصیه‌ای پیدا کرده است. در ترجمه این‌طور بیان شده است که: «کشورهای طرف کنوانسیون، حقوقی که را. محترم شمرده و تضمین خواهند کرد». به‌طور کلی به منظور خنثی‌سازی آمریت لحن متن، با تغییر ساختار نحوی و حذف فعل وجهی "باید" shall مواجه هستیم. در نسخه فرانسوی نیز از فعل *s'engagent* استفاده شده است که به معنای "ملزم بودن و متعهد بودن به انجام کاری" است (نصیری، ۱۳۹۷، ص ۲۴۶). در واقع، در اثر عقلایی‌سازی، تغییر ساختار نحوی، تغییر وجه فعل، تخریب شبکه معنایی مستتر در متن، خنثی‌سازی لحن آمرانه متن، نظام‌مندی اثر نیز از بین رفته است.

یکی از اقدامات مهم تحریفی که در این ماده صورت گرفته، این است که مترجم، لفظ "جنسیت" *sexe = sex* را از موارد عدم تبعیض، حذف نموده است. در واقع مترجم، شبکه معنایی مستتر در متن را تخریب کرده است. مترجم، زنجیره دال‌های کلیدی را که یک شبکه خاص در متن اصلی ایجاد کرده‌اند را از بین برده است. بعلاوه این عمل، یک نوع غنازدایی کمی نیز محسوب می‌شود، زیرا تعداد دال‌ها در ترجمه، کمتر از متن اصلی شده است و به بافت لغوی متن آسیب وارد شده است. مترجم، با سانسور واژه جنسیت، تبعیض جنسی یا جنسیتی را از مصادیق عدم تبعیض ذکر شده در کنوانسیون حذف نموده است. از نظر برمن، سانسور کردن یکی از ویژگی‌های ترجمه قوم‌مدار است (برمن، ۱۳۹۰، ص ۳۳: ۵۰, Berman, 1985). یک اقدام تحریفی قابل توجه دیگر این است که در متن اصلی از لحاظ معنای کلی، این‌طور آمده است که «هیچ تبعیضی نباید بر اساس وضعیت‌هایی که مرتبط به کودک، والدین یا قیم قانونی او هستند انجام شود. حقوق کودک، فارغ از هرگونه نژاد، مذهب، جنسیت با هر وضعیتی که کودک یا والدینش یا سرپرستش دارند، باید محترم شمرده شود»؛ ولی در ترجمه، این وضعیت‌ها تنها به والدین یا قیم انتساب یافته است و مترجم واژه "کودک" را حذف کرده است و شبکه معنایی مستتر در متن را تخریب کرده است.

اصطلاح "وضعیت مالی" *Leur situation de fortune = property status*، "وضعیت تولد" *Situation de leur naissance = birth status*، "وضعیت معلولیت" *Situation de*

leur incapacité= disability status به اشتباه "مال"، "تولد" و "عدم توانایی" ترجمه شده است که این امر ناشی از عدم توجه به شبکه معنایی مستتر در متن و ارتباط بین زنجیره واژگانی متن (زنجیره دال‌ها در متن) است که به‌طور زنجیره‌ای به واژه "وضعیت" = De leur Situation status متصل شده‌اند. عبارت "سایر اوضاع" = De toute autre situation= or other status به "سایر احوال شخصیه" ترجمه شده است که نوعی شفاف‌سازی اصطلاحات حقوقی است و نباید انجام شود. واژه "وضعیت" = La Situation=status در متون حقوقی، اعم از وضعیت حقوقی و قانونی و احوال شخصیه (نصیری، ۱۳۹۷، ص ۲۸۱) است.

مترجم با تخریب اصطلاحات و تخریب شبکه معنایی متن، اصطلاح Jurisdiction= jurisdiction را "حوزه قضایی" ترجمه کرده است، درحالی‌که "حوزه قضایی" از لحاظ حقوقی، معمولاً در مورد دادگاه استفاده می‌شود. در اینجا چون بحث کشورها و قلمرو قانونی آن‌ها مطرح است، بهتر است از اصطلاح "قلمرو قضایی" استفاده شود. لازم به ذکر است که فعل "زندگی کردن" در متن اصلی وجود ندارد و مترجم برای خواناسازی یا شفاف‌سازی متن، آن را به ترجمه اضافه کرده است که این امر، بیشتر سبب تخریب شبکه معنایی مستتر در متن شده است. ترجمه پیشنهادی ما چنین است:

ترجمه پیشنهادی براساس نسخه فرانسوی: «کشورهای عضو متعهد می‌شوند حقوق مندرج در کنوانسیون حاضر را برای هر کودکی که در قلمرو قضایی آن‌ها قرار دارد بدون هیچ گونه تبعیض، صرف نظر از هرگونه ملاحظه نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، ملیت، خاستگاه قومی یا اجتماعی، وضعیت مالی، وضعیت معلولیت {عدم اهلیت یا ناتوانی جسمی یا ذهنی}، وضعیت تولد یا هر وضعیت دیگری که مرتبط به کودک، والدین یا قیم قانونی‌اش {سرپرست قانونی‌اش} است، محترم شمرده و تضمین کنند».

مثال ۵- در قسمت دوم ماده ۲ کنوانسیون آمده است:

Français: Article 2: 2-Les Etats parties prennent toutes les mesures appropriées pour que l'enfant soit effectivement protégé contre toutes formes de discrimination ou de sanction motivées par la situation juridique, les activités, les opinions déclarées ou les convictions de ses parents, de ses représentants légaux ou des membres de sa famille.

English: Article 2: 2-States Parties shall take all appropriate measures to ensure that the child is protected against all forms of discrimination or punishment on the basis of the status, activities, expressed opinions, or beliefs of the child's parents, legal guardians, or family members.

ترجمه فارسی: ماده ۲-۲: کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات لازم را جهت تضمین حمایت از کودک در مقابل تمام اشکال تبعیض، مجازات بر اساس موقعیت، فعالیت‌ها ابراز عقیده و یا عقاید والدین، قیم‌های قانونی و یا اعضای خانواده کودک به عمل خواهند آورد.

اصطلاح "وضعیت حقوقی" La situation juridique = the status به "موقعیت" ترجمه شده است که نمی‌تواند معنای حقوقی واژه را بیان کند؛ به تعبیری مترجم اقدام به تخریب اصطلاحات و تخریب شبکه معنایی مستتر در متن کرده است. مترجم "نظرات ابرازی" les opinions déclarées = expressed opinions را "ابراز عقاید" ترجمه کرده است و به‌نوعی دست به تغییر ساختار نحوی، عقلایی‌سازی و غنازدایی کیفی زده است. مشاهده می‌کنیم که در این ماده نیز، فعل وجهی "باید" shall استفاده شده است. بنابراین کشورها متعهد و ملزم به اجرای مفاد این ماده شده‌اند، درحالی‌که مترجم با تغییر ساختار نحوی و حذف "باید"، لحن آمرانه متن را محو کرده است. مترجم علامت کاما بعد از واژه "فعالیت‌ها" را حذف کرده است که نوعی عقلایی‌سازی و تخریب ضرب‌آهنگ محسوب می‌شود. مترجم از عبارت "کشورهای طرف کنوانسیون" استفاده کرده است، درحالی‌که در متن مبدأ تنها به عبارت "کشورهای عضو" Les Etats parties = States Parties اشاره شده و واژه "کنوانسیون" وجود ندارد. در واقع مترجم اقدام به اطناب کلام نموده است. مترجم، بین واژه "تبعیض" و واژه "مجازات" علامت کاما قرار داده است که موجب دشواری فهم ترجمه شده است، درحالی‌که بین این دو واژه، حرف ربط "یا" or = ou وجود دارد. در واقع مفاد ماده مذکور، اعضای کنوانسیون را متعهد نموده که در برابر تمام اشکال تبعیض یا مجازات ناشی از عقاید و فعالیت‌های (سیاسی) والدین، سرپرست یا اعضای خانواده کودک، از کودک حمایت کنند. حذف حرف ربط "یا"، یک نوع عقلایی‌سازی و تخریب ساختار نحوی محسوب می‌شود. بعلاوه، اضافه نمودن علامت کاما به جای حرف ربط "یا" موجب تخریب ضرب‌آهنگ متن نیز شده است.

ترجمه پیشنهادی بر اساس نسخه فرانسوی: «کشورهای عضو متعهد می‌شوند تمام اقدامات لازم را برای اطمینان از حمایت مؤثر کودک در برابر تمام اشکال تبعیض یا مجازات ناشی از وضعیت حقوقی، فعالیت‌ها، نظرات ابرازی یا عقاید والدین، سرپرستان قانونی یا اعضای خانواده او، انجام دهند».

مثال ۶-در ماده ۳ کنوانسیون می‌خوانیم:

Français: Article 3: 1-Dans toutes les décisions qui concernent les enfants, qu'elles soient le fait des institutions publiques ou privées de protection sociale, des tribunaux, des autorités administratives ou des organes législatifs, l'intérêt supérieur de l'enfant doit être une considération primordiale.

English: Article 3: 1-In all actions concerning children, whether undertaken by public or private social welfare institutions, courts of law, administrative authorities or legislative bodies, the best interests of the child shall be a primary consideration.

ترجمه فارسی: ماده ۳-۱: در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی دادگاه‌ها، مقامات اجرایی، یا ارگانهای حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات می‌باشد.

در ترجمه، واژه "عالیه" از عبارت "منافع عالیۀ کودک" حذف شده است که نوعی تخریب شبکه معنایی مستتر در متن و غنازدایی کمی محسوب می‌شود. البته به جای اصطلاح "منافع عالیۀ کودک" l'intérêt supérieur می‌توان از عبارت "مصلح عالیۀ کودک" نیز استفاده کرد، زیرا واژه l'intérêt به معنای "مصلحت" یا "غبطه" نیز بکار می‌رود (نصیری، ۱۳۹۷، ص ۲۵۸). مترجم، فعل "باید از اهم ملاحظات باشد"^۲، را "اهم ملاحظات می‌باشد" ترجمه نموده است که نوعی تخریب ساختار نحوی از طریق تغییر وجه فعل و عقلایی‌سازی است. حتی در نسخه فرانسوی نیز به فعل وجهی "باید" doit تصریح شده است. اصطلاح "ارگانهای حقوقی" legislative bodies = organes législatifs ترجمه‌ای نادرست است و مترجم اقدام به

¹ the best interests of the child= L'intérêt supérieur de l'enfant

² shall be a primary consideration= Doit être une considération primordiale

تخریب اصطلاحات و تخریب شبکه معنایی مستتر در متن نموده است. ترجمه صحیح این اصطلاح، "نهادهای تقنینی" است. نهادهای تقنینی، نهادهایی هستند که اقدام به قانونگذاری می‌کنند، مانند مجلس و قوه مقننه. لفظ *législatifs= legislative* به معنای "تقنینی" است، نه حقوقی. لفظ "حقوقی" منطبق با لفظ *juridique* است (همان، ص ۱۱۴). مترجم، اصطلاح *administrative authorities* را "مقامات اجرایی" ترجمه نموده است، درحالی‌که معنای صحیح این اصطلاح، "مقامات اداری" است (همان، ص ۱۸). لفظ "اجرایی" منطبق با لفظ *exécutive* است (همان، ص ۱۵) که در متن اصلی وجود ندارد. بنابراین ما به دفعات شاهد تخریب شبکه معنایی مستتر در متن اصلی هستیم. ترجمه پیشنهادی ما چنین است:

ترجمه پیشنهادی براساس نسخه فرانسوی: «در تمام اقدامات {تصمیمات} اتخاذ شده مرتبط با کودکان که از جانب مؤسسات خصوصی یا عمومی رفاه اجتماعی {حمایت اجتماعی}، دادگاه‌ها، مقامات اداری و نهادهای تقنینی صورت می‌پذیرد، منافع عالیۀ کودک باید از اهم ملاحظات باشد».

لازم به ذکر است که در ترجمه این ماده و بیشتر مواد کنوانسیون، توجهی به رعایت علامت‌گذاری‌ها نشده است که علاوه بر عقلایی‌سازی، موجب تخریب ضرب‌آهنگ متن نیز شده است.

مثال ۷- در قسمت سوم از ماده ۳ کنوانسیون آمده است:

Français: Article 3 : 3-Les Etats parties veillent à ce que le fonctionnement des institutions, services et établissements qui ont la charge des enfants et assurent leur protection soit conforme aux normes fixées par les autorités compétentes, particulièrement dans le domaine de la sécurité et de la santé et en ce qui concerne le nombre et la compétence de leur personnel ainsi que l'existence d'un contrôle approprié.

English: Article 3: 3-States Parties shall ensure that the institutions, services and facilities responsible for the care or protection of children shall conform with the standards established by competent authorities, particularly in the areas of safety, health, in the number and suitability of their staff, as well as competent supervision.

ترجمه فارسی: ماده ۳-۳: کشورهای طرف کنوانسیون تضمین خواهند نمود که مؤسسات، خدمات و وسایلی که مسئول مراقبت و حمایت کودکان هستند مطابق بامعیارهایی که توسط مقامات ذیصلاحیت خصوصاً در زمینه‌های ایمنی، بهداشت و از نظر تعداد کارکنان (آن مؤسسات) و نیز نظارت مناسب گذاشته شده مطابق داشته باشند.

در این ماده، حذف واژگان و تغییر ساختار نحوی مشاهده می‌شود، به‌طوری‌که ترجمه را کمی مبهم نموده است. مترجم، عبارت "اماکن یا نهادها" Etablissements= facilities را "وسایل" ترجمه نموده است. در هر دو نسخه فرانسه و انگلیسی منظور از facilities اماکن و نهادهای حمایتی است که مسئول نگهداری از کودکان هستند. ترجمه عبارت "صلاحیت کارکنان" از قلم افتاده است. مترجم، عبارت "کنوانسیون" را در ابتدای ماده به متن اضافه کرده است، درحالی‌که در متن اصلی صرفاً عبارت "کشورهای عضو" ذکر شده است. در واقع مترجم اقدام به گسترش متن و اطناب کلام نموده است. لذا ترجمه بهتر است بدین نحو اصلاح شود:

ترجمه پیشنهادی براساس نسخه فرانسوی: «کشورهای عضو تضمین خواهند کرد که عملکرد مؤسسات، خدمات و نهادهایی که مسئول مراقبت و حمایت از کودکان هستند، با معیارهای تعیین‌شده توسط مقامات ذیصلاح، به‌ویژه در زمینه امنیت و بهداشت و از نظر تعداد و صلاحیت کارکنان آن‌ها و وجود نظارت مناسب بر آن‌ها، مطابقت داشته باشد».

مثال ۸- در قسمت دوم ماده ۸ کنوانسیون این مطلب آمده است:

Français : Article 8: 2-Si un enfant est illégalement privé des éléments constitutifs de son identité ou de certains d'entre eux, les Etats parties doivent lui accorder une assistance et une protection appropriées, pour que son identité soit rétablie aussi rapidement que possible.

English: Article 8: 2-Where a child is illegally deprived of some or all of the elements of his or her identity, States Parties shall provide appropriate assistance and protection, with a view to re-establishing speedily his or her identity.

¹ Suitability of their staff= La compétence de leur personnel

ترجمه فارسی: ماده ۸-۲: در مواردی که کودک به طور غیر قانونی از مقام یا برخی از حقوق مربوط به هویت خود محروم شود، کشورهای عضو حمایت و مساعدت‌های لازم را برای استیفای سریع حقوق فوق به عمل خواهند آورد.

در اینجا نیز شاهد تخریب شبکه معنایی مستتر در متن هستیم؛ عبارت "عناصر هویت خویش"^۱ به "مقام یا برخی از حقوق مربوط به هویت خود" ترجمه شده است. در این ماده نیز فعل وجهی "باید" *doivent=shall* بکار رفته است، در حالی که در ترجمه، این لحن آمرانه حذف شده است. مترجم با تغییر ساختار نحوی، اقدام به عقلایی‌سازی نموده است.

ترجمه پیشنهادی بر اساس نسخه فرانسوی: «اگر کودکی به طور غیرقانونی از برخی یا تمام عناصر هویت خود محروم شود، کشورهای عضو باید حمایت و مساعدت‌های لازم را برای اعاده هویت او در اسرع وقت به عمل آورند»

مثال ۹- در ماده ۳۴ کنوانسیون چنین آمده است:

Français : Article 34: Les Etats parties s'engagent à protéger l'enfant contre toutes les formes d'exploitation sexuelle et de violence sexuelle. A cette fin, les Etats prennent en particulier toutes les mesures appropriées sur les plans national, bilatéral et multilatéral pour empêcher:

- a) Que des enfants ne soient incités ou contraints à se livrer à une activité sexuelle illégale;
- b) Que des enfants ne soient exploités à des fins de prostitution ou autres pratiques sexuelles illégales;
- c) Que des enfants ne soient exploités aux fins de la production de spectacles ou de matériel de caractère pornographique.

English: Article 34: States Parties undertake to protect the child from all forms of sexual exploitation and sexual abuse. For these purposes, States Parties shall in particular take all appropriate national, bilateral and multilateral measures to prevent:

- (a) The inducement or coercion of a child to engage in any unlawful sexual activity;
- (b) The exploitative use of children in prostitution or other unlawful sexual practices;

¹ Des éléments constitutifs de son identité =some or all of the elements of his or her identity

(c) The exploitative use of children in pornographic performances and materials.

ترجمه فارسی: کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوء استفاده‌ها و استثمارهای جنسی حمایت کنند. بدین‌منظور، کشورهای فوق خصوصاً اقدامات ملی، دو و چند جانبه را در جهت جلوگیری از موارد زیر به عمل می‌آورند:

الف - تشویق و یا وارد نمودن کودکان برای درگیری در هر گونه فعالیت‌های غیر قانونی جنسی.

ب - استفاده استثماری از کودکان در فاحشه‌گری و سایر اعمال غیر قانونی جنسی.

ج - استفاده استثماری از کودکان در اعمال و مطالب پرونوگرافیک.

در این ماده، مترجم از واژه "درگیری" se livrer = engage به جای واژه "مشارکت" استفاده کرده است که نوعی غنازدایی کیفی محسوب می‌شود. مترجم، به جای ترجمه واژه pornographique = pornographic از واژه دخیل "پرونوگرافیک" استفاده کرده است. "واژه دخیل"، واژه‌ای خارجی (انگلیسی یا فرانسوی) است که با فارسی‌سازی وارد زبان فارسی می‌شود. مترجم در اینجا، به جای عمل ترجمه، فارسی‌سازی کرده است. فارسی‌سازی، ترجمه نیست. مترجم حتی تلفظ درست واژه pornographique که "پرونوگرافیک" است را "پرونوگرافیک" نوشته است. این فارسی‌سازی، با تلفظ اشتباه، به زیبایی زبان مقصد (زبان فارسی)، به‌ویژه زمانی که در متن یک قانون برای همیشه ثبت می‌شود، آسیب رسانده است. آنتوان برمن در گرایش‌های تحریفی، به استفاده از "واژگان دخیل" در ترجمه، اشاره‌ای نکرده است؛ ولی ایشان معتقد است که گرایش‌های تحریفی دیگری نیز وجود دارند که وی به آن‌ها نپرداخته است. شاید بتوان گفت فارسی‌سازی در ترجمه یک نوع غنازدایی کیفی است، زیرا از واژه‌ای نازیبا و فاقد غنای معنایی استفاده می‌شود.

مترجم از بعضی واژگان نازیبا و قدیمی در ترجمه استفاده کرده است؛ به‌طور مثال مترجم به جای فعل "متعهد شدن" s'engager = undertake (نصیری، ۱۳۹۷، ص ۲۴۶) از فعل "متقبل شدن" استفاده کرده است؛ یا مترجم به جای واژه "فحشا" از واژه "فاحشه‌گری" استفاده کرده است. این‌گونه انتخاب‌های نازیبا می‌تواند نوعی غنازدایی کیفی محسوب شود. مترجم در ترجمه "اقدامات لازم"، صفت "لازم" appropriate = appropriées را حذف نموده است که

موجب تخریب شبکه معنایی مستتر در متن شده است. در ترجمه این ماده، تفاوت‌هایی در شیوه نگارش و نوع واژگان انتخابی در نسخه انگلیسی و فرانسوی کنوانسیون دیده می‌شود. به نظر می‌رسد مترجم، کنوانسیون را براساس نسخه انگلیسی ترجمه کرده است. به‌طور مثال در نسخه انگلیسی از اصطلاح "سوء استفاده جنسی" sexual abuse استفاده شده است، درحالی‌که در نسخه فرانسوی، اصطلاح "خشونت جنسی" violence sexuelle بکار رفته است.

ترجمه پیشنهادی بر اساس نسخه فرانسوی: «کشورهای عضو متعهد می‌شوند که از کودکان در برابر همه اشکال استثمار جنسی و خشونت جنسی حمایت کنند. بدین منظور، کشورهای عضو به طور ویژه تمام اقدامات لازم را در سطوح ملی، دوجانبه و چندجانبه برای جلوگیری از موارد زیر انجام خواهند داد:

الف- ترغیب یا اجبار کودک به مشارکت در هرگونه فعالیت جنسی غیرقانونی؛

ب- استفاده استثماری از کودکان به منظور فحشا یا سایر اعمال جنسی غیرقانونی؛

ج- استفاده استثماری از کودکان به منظور تولید تصاویر یا محتوای هرزه‌نگاری»

۶- نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده، نظریه ترجمه آنتوان برمن، مبتنی بر مکتب تفسیری هرمنوتیک رماتیک شلایرماخر است و از این جهت با قاعده تفسیری مؤلف محوری یا قصدگرایی در حقوق، دارای خاستگاه مشترک فلسفی است؛ لذا نظریه ترجمه برمن در ترجمه متون حقوقی نیز قابلیت اجرایی دارد. نظریه ترجمه برمن، صرفاً مختص تحلیل ترجمه متون ادبی نیست، بلکه در هر نوع ترجمه‌ای، و به طور خاص در تحلیل ترجمه متون حقوقی قابل اعمال است. نظریه ترجمه برمن، بدلیل خاستگاه فلسفی هرمنوتیک شلایرماخر، نظریه‌ای فراتر از گرایش‌های تحریفی در ترجمه است. برمن، نظریه خود را نقطه مقابل تمام نظریات ترجمه که تاکنون ارائه شده است می‌داند؛ زیرا نظریات ترجمه، به دنبال تخریب لفظ به نفع معنا هستند و آنتوان برمن با این تفکر به مبارزه پرداخته است (برمن، ۱۳۹۰، ص ۷۷). در این پژوهش، پیوند نظریه ترجمه برمن با ترجمه و تفسیر حقوقی را از طریق بیان اشتراکات فلسفی و اخلاقی نشان دادیم. ترجمه حقوقی از ترجمه ادبی را تفکیک نمودیم. مهم‌ترین تفاوت ترجمه متون حقوقی با ترجمه سایر متون، آثار حقوقی مترتب بر اصطلاحات حقوقی است.

از تحلیل ترجمه کنوانسیون حقوق کودک به این نتیجه دست یافتیم که از میان گرایش‌های تحریفی معرفی شده توسط آنتوان برمن، گرایش‌های تحریفی عقلایی‌سازی، غنازدایی کیفی، تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن، تخریب نظام‌مندی متن، تخریب ضرب‌آهنگ متن، تخریب اصطلاحات و غنازدایی کمی، از پربسامدترین گرایش‌هایی هستند که قانونگذار-مترجم ایران در ترجمه فارسی کنوانسیون حقوق کودک، اعمال کرده است. در برخی مواد کنوانسیون ملاحظه نمودیم که قانونگذار-مترجم ایران، کلمات، عبارات، اصطلاحات و پیچ و خم جملات را با کلمات، عبارات و اصطلاحاتی جایگزین کرده است که از نظر غنای معنایی، آوایی و نمایه‌ای، در سطح کلمات به‌کاررفته توسط نگارنده متن مبدا نیستند یا در برخی موارد، اقدام به حذف واژگان کلیدی متن مبدا نموده (واژه جنسیت) که موجب تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن مبدا شده است. در ترجمه، در برخی مواد، لحن آمرانه و الزام‌آور مفاد کنوانسیون در متن مبدا، خنثی شده است و آن لحن در متن مقصد، جنبه توصیه به خود گرفته است. در کل، عقلایی‌سازی و تخریب شبکه معنایی مستتر در متن مبدا، به نفع بومی‌سازی متن مبدا، پرکاربردترین گرایش تحریفی است که در ترجمه کنوانسیون بکارگرفته شده است.

مترجم کنوانسیون حقوق کودک، با بکارگیری گرایش‌های تحریفی مختلف، اقدام به بومی‌سازی متن کنوانسیون کرده است. بومی‌سازی (که نقطه مقابل بیگانه‌سازی است)، راهبردی مقصدگرا در ترجمه است که با اتخاذ سبکی متعلق به زبان مقصد، با تغییر در ساختار نحوی جملات و با جایگزینی اصطلاحات بیگانه با معادل‌های کارکردی و پویا، غرابت متن بیگانه را برای خوانندگان متن مقصد به حداقل می‌رساند (ساسانی، نصیری، ۱۴۰۰، صص ۵۳۱-۵۶۳). متون حقوقی زبان مبدا دارای شاکله، ساختار نحوی و سبک نگارش خاص است که در زمان ترجمه بایستی به حفظ این پیکره پایبند بود. این در حالی است که مترجم کنوانسیون با بومی‌سازی، ساختارهای نحوی شاخ و برگ دار زبان مبدا را به ساختار نحوی خطی تبدیل کرده است. جملات پیچیده به جملات ساده تبدیل شده‌اند. ساختارهای نحوی متن مقصد به ساختارهای نحوی متن مبدا شباهتی ندارند؛ زیرا در ترجمه، از ساختارهای نحوی زبان مقصد استفاده شده است. این بومی‌سازی موجب از بین رفتن نظام‌مندی متن مبدا شده است و قانون

الحاق به این کنوانسیون (ترجمه فارسی کنوانسیون) تبدیل به قانونی مستقل شده که شباهت کاملی به نسخه اصلی کنوانسیون مذکور ندارد.

می‌توان گفت مترجم، با بومی‌سازی، رویکردی مقصد‌گرا نسبت به ترجمه کنوانسیون مذکور داشته است. در رویکرد مقصدگرا، مترجم بر آن است که از عناصر ساختاری متنی زبان مبدأ، سبک نوشتاری و فرهنگ زبان مبدأ دوری‌گزیند (ساسانی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۴). مترجم کنوانسیون حقوق کودک با رویکردی مقصدگرا، متن مبدأ را بنابر اقتضای نحوی و واژگانی زبان فارسی، براساس فرهنگ حقوقی ایرانی-اسلامی و بنابر مصالح سیاسی-دینی نظام سیاسی-حقوقی ایران تغییر داده است. مترجم، حتی، در برخی موارد، واژگانی را که احتمالاً مؤانستی با موازین و اصول حقوق اسلامی ایران ندارند حذف نموده است (مانند واژه جنسیت). در واقع، مترجم با بکارگیری گرایش‌های تحریف متن، متن مبدأ را بومی‌سازی و به تعبیر آنتوان برمن، بیگانه‌زدایی کرده است. اگرچه ترجمه مجدد این کنوانسیون به لحاظ حقوقی امکان‌پذیر نیست، ولی تحلیل ترجمه این کنوانسیون می‌تواند گشاینده مسیری جهت افزایش آگاهی حقوق‌دانان ایرانی و مترجمان حقوقی به فرآیند ترجمه حقوقی و پرهیز از بکارگیری گرایش‌های تحریف متن، در زمان ترجمه قوانین بین‌المللی باشد.

کتابنامه

- آذربایجانی، م. (۱۳۸۹). «نقد تربیتی بر کنوانسیون حقوق کودک». فصلنامه کتاب زنان. شماره ۱۶.
- آقایی، ک. (۱۳۸۸). مکتب‌های تفسیری در حقوق بر بنیاد هرمنوتیک حقوقی. چ ۱. تهران: نشر میزان.
- برمن، آ. (۱۳۹۱). ترجمه و جزء کلمه یا بیتوته در دوردست. ترجمه فاطمه عشقی. تهران: نشر قطره.
- پورحسن، ق. (۱۳۹۲). هرمنوتیک تطبیقی: بررسی همانندی فلسفه تاویل در اسلام و غرب. چ ۱. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

پور قهرمانی، ب. (۱۳۸۸). «نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن». فصلنامه رواق اندیشه. شماره ۲۸.

جعفری تبار، ح. (۱۳۸۸). فلسفه تفسیری حقوق. چ ۱. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار
حسینی اکبرنژاد، ح. (۱۳۹۲). تحلیل کنوانسیون حقوق کودک. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

دلماش مارتی، م. (۱۳۹۸). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی.
چ ۴. تهران: نشر میزان.

ژان کلو، ا. (۱۴۰۲). اصول هفتگانه حقوق کیفری. ترجمه سید حسین حسینی و هدیه نصیری. چ ۱.
تهران: نشر میزان.

ساسانی، ف. و نصیری، ه. (۱۴۰۰). «نمونه‌پژوهی ترجمه مفاهیم حقوقی ایران با تکیه بر
زبان‌شناسی حقوقی ژنو». جستارهای زبانی، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۵۶۴-۵۳۱.
ساسانی، ف.؛ شرکت مقدم، ص.؛ نواب زاده شفیعی، س.؛ فتحیان، م. ح. (۱۴۰۳). «نقد ترجمه‌های
معاصر آثار ژول ورن با تکیه بر تحلیل توزیعی آراء هریس». پژوهش‌های زبان و ترجمه
فرانسه، دوره ۷، شماره ۲، صص ۲۸-۱.

سعید نیا، م. ر. (۱۳۸۵). مجموعه قوانین و مقررات اطفال و نوجوانان. تهران: حقوقی.
ضیائی بیگدلی، م. ر. (۱۳۸۳). حقوق بین‌الملل عمومی. چ ۱۹. تهران: انتشارات گنج دانش.
عابدی سرآسیا، ع.؛ علمی سولا، م. ص.؛ علمی سولا، م. ک. (۱۳۸۹). «هرمنوتیک و اصول فقه:
نگاهی به انواع قصدی‌گرایی در غرب و مقایسه آن با دیدگاه تفسیری اصولیان شیعه». مجله
مطالعات اسلامی: فقه و اصول. دوره ۴۲، شماره ۲، صص ۸۴-۶۷.

عباسی، ع. و شریفی، س. (۱۴۰۲). «تصور ذهنی در گذار از زبان مبدأ به زبان مقصد در امر
ترجمه؛ مطالعه موردی رمان میشل استروگف اثر ژول ورن». پژوهش‌های زبان و ترجمه
فرانسه، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۱۱)، صص ۲۰۲-۲۲۱.

عباسی کلیمانی، ع. (۱۳۸۹). «بررسی مقایسه‌ای قوانین و مقررات ایران با کنوانسیون حقوق
کودک». فصلنامه فقه و حقوق خانواده. شماره ۵۳، صص ۹۶-۱۱۷.

قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک قابل دسترسی در تارنمای مجلس شورای اسلامی به آدرس

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/92374>, last visited 06/01/2026.

محقق داماد، س. م. و پورمحمدی، ر. (۱۴۰۴). *تفسیر قانون (نظریات و قواعد تفسیری)*. چ ۱. تهران: انتشارات قوه قضائیه.

مرادی، ا. (۱۴۰۲). «بررسی تطبیقی کیفی بودن مقررات کیفری با نگاهی به حقوق ایران و دانش‌های اخلاق، ادبیات و زبان‌شناسی». *مجله تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی*. دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۱۸۶-۱۳۹.

مصفا، ن. (۱۳۸۴). *کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی ایران*. تهران: نشر دانشگاه تهران.

مهرپور، ح. (۱۳۸۳). *نظام بین‌الملل حقوق بشر*. تهران: انتشارات اطلاعات.

منصور، ج. (۱۳۸۲). *قوانین و مقررات مربوط به خانواده*. تهران: دوران.

مجموعه قوانین سال ۱۳۸۶. روزنامه رسمی.

معمای یک کلمه در برجام (۳۱ تیر ۱۳۹۷). روزنامه شرق. قابل دسترسی در

تارنمای <https://www.magiran.com/article/3775534>

مصاحبه وندی شرمین در مورد تفاوت اصطلاح Lift و End در متن برجام، قابل دسترسی در

تارنمای <https://www.aparat.com/v/MXnB3>

نصیری، ه. (۱۳۹۷). *فرهنگ حقوقی: مجموعه‌ای از واژگان و اصطلاحات حقوقی فارسی-فرانسه*. چ ۱. تهران: انتشارات مجد.

نصیری، ه. (۱۳۹۷). *ترجمه‌شناسی قوانین مدنی و جزای فرانسه با تکیه بر رویکرد هرمنوتیک*

رمانتیک شلایرماخر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان فرانسه با راهنمایی خانم

دکتر فاطمه عشقی و مشاوره آقای دکتر بهزاد رضوی فرد و داوری خانم دکتر معصومه

احمدی. دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی. دانشگاه علامه طباطبائی.

والاس، ر. (۱۳۸۲). *حقوق بین‌الملل*. ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو. تهران: مؤسسه

مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.

- Bandia, P. (2001). Le concept Bermanien de l'étranger dans le prisme de la traduction postcoloniale. *La revue TTR: traduction, terminologie, rédaction*. Vol. 14. n° 2. 2^e semestre. pp. 123-139.
- Berman, A. (1985). *La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain. Les Tours de Babel*. Mauvezan: Trans-Europ-Repress.
- Berman, A. (1984). L'épreuve de l'étranger. Culture et traduction dans l'Allemagne romantique. Paris: Gallimard. Coll. "Essais".
- Conventions internationales:
<http://www.universalis.fr/encyclopedie/conventions-internationales/>,
 last visited 06/01/2026.
- Geneva Declaration of the Rights of the Child Adopted 26 September, 1924:
<http://www.un-documents.net/gdrc1924.htm>, last visited 06/01/2026.
- La Convention internationale des droits de l'enfant (CIDE):
<http://www.ohchr.org/FR/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx>, last
 visited 06/01/2026.
- La Déclaration des Droits de l'Enfant, 1959,
<http://www.humanium.org/fr/normes/declaration-1959/>, last visited
 06/01/2026.
- Le Fond des Nations Unies des secours d'urgence à l'enfance :
<http://www.humanium.org/fr/histoire-des-droits-de-l-enfant/>, last visited
 06/01/2026.
- Le Protocole facultatif à la Convention concernant la vente d'enfants, la prostitution des enfants et la pornographie mettant en scène des enfants (OPSC) :
<http://www.ohchr.org/FR/ProfessionalInterest/Pages/OPSCCRC.aspx>,
 last visited 06/01/2026.
- Le Protocole facultatif à la Convention concernant l'implication d'enfants dans les conflits armés (OPAC):
<http://www.ohchr.org/FR/ProfessionalInterest/Pages/OPACRC.aspx>,
 last visited 06/01/2026.
- Nassiri, H. (2018). *Traductologie du code civile et du code pénal français d'après l'approche de l'herméneutique romantique de Schleiermacher*. Mémoire de maîtrise en traduction française, dirigé par Fatemeh Eshghi, conseillé par Behzad Razavifard et évalué par Masoumeh Ahmadi.

Faculté de littérature persane et de langues étrangères. Université Allameh Tabatabai

Schleiermacher, F. (1989). *Herméneutique*. Trad. par. Ch. Berner. Paris: Cerf.

Schleiermacher, F. (1999). *Des différentes méthodes du traduire*. Traduit par Antoine Berman. Paris: Editions du seuil.

Thénault, C. B. (2016). Schleiermacher et le projet d'une Herméneutique matérielle. *Texto! Textes et Cultures*. Vol. XXI. n° 1.

The Convention on the Rights of the Child (UNCRC): Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989 entry into force 2 September 1990, in accordance with article 49: <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/CRC.aspx>, last visited 06/01/2026.

The Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on a Communications Procedure: <http://www.ohchr.org/EN/ProfessionalInterest/Pages/OPICCRRC.aspx>, last visited 06/01/2026.